

بسمه تعالی



موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س)

مشاورت فرهنگی و مدیریت پایگاه اطلاع رسانی صابره

www.sabereh.ir

## گزارشات درج شده در سایت صابره

شماره ۳

تیر ۹۳

مربوط به جلسات ۲۱ تا ۳۰ دوره آموزشی نظام شناسی

و هشتمین همایش بسوی راهبردهای قرآنی در مدیریت و تربیت اسلامی

نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش مسئله زن از مسئله خانواده قابل تفکیک نیست  
بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی اگر کسی بخواهد مسئله زن را جدا از خانواده  
آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، بحث کند دچار اختلال در فهم و تشخیص  
تمام ظرفیتهای خودتان را به کار گیرید و در علاج خواهد شد / اشتغال از مسائل اصلی  
این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان مربوط به زنان نیست. ۹۳/۱/۳۰  
داشته باشید. ۹۲/۱۱/۲۳

فرهنگ از اقتصاد هم مهمتر است / سه عنصر اقتصاد، فرهنگ و علم  
اگر در یک کشور باشند آن کشور قوی می‌شود. ۹۳/۱/۱



Sabereh.ir

**صابره:** گزارش جلسه ۲۱ نظام شناسی / استاد زاهدی: اقتصاد مقاومتی، یعنی نظام اقتصاد اسلامی در برابر نظام غربی / بزرگترین بازوی غرب در تحریم ها بانکداری است / هدف دوره آموزشی نظام شناسی، تحقق فرمایش مقام معظم رهبری در شناخت شیوه های نفوذ نظام غربی در کشورهای اسلامی است / ماهواره ها فرهنگ اجتماعی و فرهنگ فردی ما را کنترل و منحرف می کند

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۲۱ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۱ فروردین ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲:۳۰ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به «جمع بندی مطالب تدریس شده در ۲۰ جلسه گذشته» و «بخشی از موضوع نظام فرهنگی» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

**\*هدف دوره آموزشی نظام شناسی، تحقق فرمایش مقام معظم رهبری در شناخت شیوه های نفوذ نظام غربی در کشورهای اسلامی است**

هدف از دوره آموزشی نظام شناسی در مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س):

۱- تحقق فرمایش مقام معظم رهبری (شناخت شیوه های نفوذ نظام غربی در کشورهای اسلامی)

۲- تدبر و تعمق در اینکه اسلام در برابر نظامات غربی چه نظاماتی دارد؟ اگر دارد آن را فعال کنیم. اگر دارد و فراموش شده آن را بازسازی کنیم، اگر از بین رفته آن را دوباره تولید کنیم. اگر نظام فرهنگی توسط دشمن منحرف شده ببینیم نظام اسلامی چگونه است. باید دید چگونه می توان نظامات اسلامی را رشد داد و آن را به مقابله با نظامات غربی بیاوریم.

**\*اقتصاد مقاومتی، یعنی نظام اقتصاد اسلامی در برابر نظام غرب / بزرگترین بازوی غرب در تحریم ها بانکداری است**

- دشمن در جمهوری اسلامی از در خارج شده ولی از پنجره وارد شده و سعی می کند تا همه عرصه های فرهنگی، علمی، اقتصادی، اعتقادی و ... را در اشغال خود داشته باشد.

- عده ای فکر می کنند با وجود ولایت فقیه و سپاه و قانون اساسی، همه چیز درست است، اما خروجی ها و عملکردها این را نشان نمی دهد.  
- غرب هر کجا پا گذاشته موفق بوده که استقلال، دستاوردها، فرهنگ، اقتصاد و آرای یک ملت را به هم بریزد و نیروهای انسانی و مدیریت هایشان را چپاول کند. لذا در ایران و جمهوری اسلامی هم می توانند این عمل را انجام دهند. همچنان که در مصر، لیبی، یونان، لبنان، تونس، عربستان، افغانستان، پاکستان و اردن هم همین کارها را انجام دادند و در همه جا در غارت و چپاول سرمایه های این کشورها موفق بودند. اینها دزدان دریایی قهاری هستند که با قلدری تمام و هزاران رسانه در جهان هرچه می خواهند می گویند.

- دولت به گونه ای عمل کرده که اتحادیه اروپا به خود اجازه داده هرگونه توهینی بکند و حتی انتخاب همین دولت را هم زیر سوال برده و آن را غیر دموکراتیک می داند!

- بزرگترین بازوی غرب در تحریم ها بانکداری است.

- دشمن با احاطه بر همه عرصه های کشور، نیروها و کادر را از درون طراحی می کند. غرب در دانشگاه ها کرسی ها را در اختیار گرفته اند.

- اقتصاد مقاومتی یک نظام است. یعنی نظام اقتصاد اسلامی در برابر نظام غربی است.

- سیستم بانکداری علیه اسلام سرکشی و طغیان کرده است.

- باید نظامات غربی را بشناسیم و بفهمیم که در این نظامات غربی، دشمن چگونه عرصه های انقلاب ما را هدایت می کند.

- از بزرگترین گناهی که بر گردن ما می باشد، غفلت است. باید این عرصه هایی را که دشمن روی آنها کار می کند را به خوبی بشناسیم. باید ابتدا طریقه درست کردن گِل را یاد بگیریم بعد هر گونه طرحی که خواستیم می توانیم با آن درست کنیم.

**\*ماهواره ها فرهنگ اجتماعی و فرهنگ فردی ما را کنترل و منحرف می کند**

- نظام هنری یکی از مصادیق نظام فرهنگی است. نظام فرهنگی ارکانی دارد.

- محورهای اساسی نظام فرهنگی (اعم از غربی و اسلامی):

مبانی فرهنگ ساز، صنایع فرهنگ ساز، مراکز فرهنگ ساز، عرصه های فرهنگ ساز.

- مبانی فرهنگ ساز: آنهایی است که مبنای اعتقاد، تفکر، اندیشه و رفتار انسان را درست می کند. اگر این مبنا غربی باشد، اعتقاد و اندیشه و رفتار، غربی می شود و اگر این مبنا اسلامی باشد، اعتقاد و اندیشه و رفتار اسلامی می شود. وقتی کسی می گوید باید دست هنر باز باشد، درباره

مبانی فرهنگ ساز بحث می کند. وقتی کسی می گوید باید بخش خصوصی آزاد باشد، روی مبانی فرهنگ ساز کار می کند و مراکز فرهنگ ساز را مطابق میل خود جهت می دهد.

- صنایع فرهنگ ساز: فرهنگ سراها، فیلم های سینمایی، روزنامه ها، فیس بوک، اینترنت و... با این صنایع می توان فرهنگ سازی کرد.  
- ماهواره ها فرهنگ اجتماعی و فرهنگ فردی ما را کنترل و منحرف می کند. اینگونه به وسیله صنایع فرهنگ ساز، فرهنگ ما را تغییر می دهند. وقتی کودک روابط زن و مرد در ماهواره را ببیند این روابط برایش عادی می شود و در زندگی واقعی خود اجرا می شود. در facebook ارتباط برقرار می کنند و بعد رابطه های غلط بعدی بر اساس همان فرهنگ ماهواره شکل می گیرد.  
- مراکز فرهنگ ساز: خانه سینما، سازمان تبلیغات، حسینیه ها، حوزه های علمیه و... ما مراکز فرهنگ ساز داریم اما اگر روی آنها کار نکنیم، شکست می خوریم.

- عرصه غیر از مرکز است. مثلاً در حوزه «فوتبال»، عرصه فرهنگ ساز: ورزش است. مرکز فرهنگ ساز: باشگاه است. صنعت فرهنگ ساز: فوتبال است. مبانی فرهنگ ساز: فعالیت و نشاط جوان است. فوتبال به عنوان صنعت فرهنگی، فرهنگ ما را متحول می کند.  
- فعالیت هسته ای صنعت است. این صنعت فرهنگ ساز است. این فرهنگ چنان وسیع است که مردم را به خوداتکایی می رساند و باعث می شود مردم به اسلام و رهبر اتکا کنند. در حوزه انرژی هسته ای، عرصه فرهنگ ساز: توجه به دانش هسته ای است. مرکز فرهنگ ساز: مراکز هسته ای هستند. صنعت فرهنگ ساز: همان سانتریفیوژها هستند. مبانی فرهنگ ساز: «انرژی هسته ای حق مسلم ماست» می باشد.

### 📖 گزارش جلسه بیست و دوم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۱/۲۸

**صابره: گزارش جلسه ۲۲ نظام شناسی / استاد زاهدی: انرژی هسته ای در زمینه اتحاد، استقلال، آگاهی، دفاع از کشور و... فرهنگ سازی کرد / مأموریت های نظام خانواده در اسلام / در نگاه اسلام، خانواده اصلی ترین سلول، واحد و مجموعه تشکیل دهنده جامعه است / آیات وجودی مادر در نظام خانواده: پرستار حقیقی، مشاور، مربی، متعادل کننده، راهنما، برنامه ریز و... می باشد**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۲۲ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۸ فروردین ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲:۱۵ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به «مرور مطالب تدریس شده در جلسه گذشته» و «شروع مبحث نظام خانواده» پرداختند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود: \*مرور مطالب جلسه قبل: انرژی هسته ای در زمینه اتحاد، استقلال، وحدت، آگاهی، شجاعت و دفاع از کشور، فرهنگ سازی کرد / لزوم کسب مهارت در فرهنگ شناسی

- تولید سانتریفیوژ یک مبانی فرهنگی دارد که آن «ما می توانیم» است. با این کار قدرت ذهنی و استعدادی جامعه بالا رفت. سانتریفیوژ یا کیک زرد در مبانی فرهنگ ساز تا این حد فرهنگ سازی کرد. این صنعت با اینکه تکنولوژیک است اما به فرهنگ مربوط است چرا که حتی یهودی و ارمنی، فقیر و غنی و تمام کشور یکصدا گفتند: «انرژی هسته ای حق مسلم ماست». این امر اروپا و آمریکا را هراسان کرد که ایرانی ها متحد شدند. انرژی هسته ای به عنوان صنعت فرهنگ ساز، فرهنگ سازی کرد و همه گفتند: «انرژی هسته ای حق مسلم ماست». این صنعت در زمینه فرهنگ اتحاد، فرهنگ استقلال، فرهنگ وحدت، فرهنگ آگاهی، فرهنگ شجاعت و فرهنگ دفاع از کشور، فرهنگ سازی کرد و این فرهنگ ها را به حد بالا رساند. لذا «شورای امنیت ملی» هم به مرکز فرهنگ ساز تبدیل شد.



- مهارت در نظام فرهنگی بدین معنی است که هرچه را دیدیم باید آن را نظام شناسی کنیم از پنکه و ماهواره گرفته تا facebook و عکس یک شخص در روزنامه و... اگر در فرهنگ شناسی مهارت پیدا کنیم، متوجه می شویم که چرا در سوپرمارکت ها دائماً تبلیغ فیلم های شبکه خانگی است. اگر فرهنگ شناسی را به جامعه یاد ندهیم، همه خواب می مانند و متوجه نمی شوند که از کجا ضربه می خورند.  
- انرژی هسته ای و سانتریفیوژ عرصه فرهنگی ما را پرورش داد تا حدی که دانشمندان ما آنقدر رشد کردند که دشمن عاجز شد و آنها را ترور کرد. سرعت پیشرفت علمی ایران بالا رفت. در حالیکه اکنون یک شعار واحد وجود ندارد. اکثراً به فکر این هستند که آیا یارانه بگیرند یا نه؟

یکی به فکر این است که آیا سبد کالا بگیرد یا نه؟ این هم کار فرهنگی به نفع دشمن است. اتحاد و انسجام فرهنگی ما گسیخته شد. پیشرفت هسته‌ای ما کند شد. شعارهای ضد آمریکا کم‌رنگ شد. اکنون برای هرکس یک دغدغه درست کرده‌اند که هرکس به فکر خود و منافع شخصی‌اش باشد.

- کار فرهنگی ۴ سطح و محور اصلی دارد: مبانی فرهنگی، مراکز فرهنگی، صنایع فرهنگی، عرصه‌های فرهنگی. تمام حرکات می‌تواند بر روی یکی از این ۴ رکن تأثیرگذار باشد. باید فرهنگ‌شناس شویم در این صورت سیاست را هم از روی فرهنگ‌شناسی می‌فهمیم. نظامات غربی ما را بیچاره می‌کند. دانشگاه‌هایمان را تحت سلطه خود گرفته‌اند و این دانشگاه، دانشگاهیان ما را می‌سازد و اینها فردا مدیر، وکیل، وزیر، برنامه‌ریز و... می‌شوند.

**\* نظام خانواده در اسلام و غرب / در نگاه اسلام، خانواده اصلی‌ترین سلول، واحد و مجموعه تشکیل دهنده جامعه است**

- تفاوت نظام خانواده در نظام غربی و نظام اسلامی چیست؟ نظام غربی چگونه بر نظام خانواده ما تأثیر گذاشته است؟ نظام خانواده در اسلام چگونه است و اسلام چه فکری برای آن دارد؟

- «وَلَذِكُرُ اللَّهَ أَكْبَرُ» (عنکبوت: ۴۵) باید رضایت خدا در همه ابعاد زندگی مان باشد.

- در نگاه سطحی، خانواده مجموعه‌ای از دو نفر یا بیشتر است که قرار است روابط صمیمانه و نزدیک با هم داشته باشند.

- نگاه سطحی به خانواده: ۱- زندگی مشترک ۲- روابط عاطفی و جنسی و ارضای تمایلات ۳- فرزندآوری.

- در غرب همین نگاه سطحی عمیق‌ترین مفهوم خانواده است و بیشتر از این نیست. در اروپا فقط ۲ درصد فرزندان با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند. غربی‌ها در همین ۳ مورد هم ماندگار نشدند.

- در انگلستان تعداد سگ‌ها از تعداد آدم‌ها در خانواده بیشتر است. آنها سگ را مهربان و وفادار می‌دانند که خواسته‌ای ندارد و تسلیم است به همین علت سگ را از فرزند بیشتر دوست دارند.

- نگاه اسلام: خانواده اصلی‌ترین سلول، واحد و مجموعه تشکیل دهنده جامعه است. یعنی جامعه (اسلامی) بدون خانواده نمی‌تواند شکل بگیرد. این به آن دلیل است که خانواده، انسان را تولید می‌کند.

- اکنون فقط با نگاه فرزندآوری به خانواده توجه می‌شود. در حالی که انسان مجموعه عظیمی از نظام هستی است که این مجموعه عظیم باید در خانواده شکل بگیرد. خانواده انسان‌ساز است.

- اسلام صدها عرصه دارد که هر کدام یک نظام است و هر موضوع و حیات انسانی نیز دارای یک نظام است.

**\* مأموریت‌های نظام خانواده در اسلام**

- خانواده پدر تولید می‌کند. پدر شدن یعنی مربی شدن، راهور شدن، رئیس شدن، مدافع مجموعه خود شدن، ولی شدن، تأمین‌کننده نیازهای خانواده، تأمین‌کننده آرامش خانواده و رفع نگرانی‌های خانواده. تربیت خانواده به عهده اوست. مسئول است و مسئولیت دارد، ولی و مرشد و هادی است. مدیر است و باید مدیریت کند.

- خانواده مادر تولید می‌کند. وقتی زن (دختر) مادر شد، از یک زاویه همسر است و مأموریت تقویت روحیه و آرامش همسرش را دارد (لتسکنا الیها) و در شکل همراز همسر در می‌آید. غمگسار همسر می‌شود. با تولد فرزند حالا لفظ مادر ایجاد می‌شود. پرستار ایجاد می‌شود. در خانواده، مشاور تولید می‌شود.

**\* آیات وجودی مادر در نظام خانواده: پرستار حقیقی، مشاور، مربی، متعادل‌کننده، راهنما، برنامه‌ریز و... می‌باشد**

- کسی که مادر می‌شود چند شغل دارد. آیات وجودی مادر:

۱- پرستار: پرستار حقیقی مادر است که این پرستاری با عاشقی معنا پیدا می‌کند.

۲- برآورنده نیازهای همسرش (همرازی و همراهی)

۳- مشاور برای همه اعضای خانواده

۴- مربی: خانواده مربی تولید می‌کند. حضرت فاطمه (س) به امام حسن (ع) می‌گفت:

أشبه أباك يا حسن و اخلع عن الحق الرسن

و اعبد إلهها ذا منن و لا توال ذا الإحن

(بحار الأنوار ط - بیروت، ج ۴۳، ص: ۲۸۶)



"أشبه أباك يا حسن" شبهه به پدرت شو. "و اخلع عن الحق الرسن، و اعبد إلها ذا منن". اگر می‌خواهی مرکز آبرو ایجاد کنی و زانو بزنی و بی‌کسی‌هایت را پناه ببری و ضعف‌هایت را جبران کنی و زیباترین و عظیم‌ترین را بپرستی، خدا را بپرست. مقام و سیاست را نپرست و با ظالمین رفیق نشو. با فرومایگان رفیق نشو.

۵- مادر، پناهگاه روحی خانواده است. آرام‌کننده غم‌ها و غصه‌ها است. خانواده مأمّن و پناهگاه است. مادر در شکل پناه‌دهنده ظاهر می‌شود.

۶- مادر در شکل متعادل کننده فرزندان و همسر.

۷- در شکل پزشک. پزشک خانواده مادر است.

۸- در شکل راهنما و وهماهنگ کننده و برنامه‌ریز.

اینها آیات وجودی هستند.

- همسر خانواده این همه شغل دارد. از آنجایی که اکنون چنین شرایطی نیست، زن‌ها برای حقوق پایینی کار می‌کنند و با وضع نامناسب در شرکت‌ها ظاهر می‌شوند و مردان کار پیدا نمی‌کنند. در نتیجه سن ازدواج بالا می‌رود.

- مجلس شورای اسلامی باید قوانین حمایت از مادران را تصویب نمایند. مجلس باید مادران را بیمه درمانی و بیمه شغل کند و حقوقی برای آنها تعریف کند.

**\* آیه خانواده/ شناسایی آیات وجودی دختر و پسر به عنوان مبنای همسریابی**

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) از آیات ماست که از جنس خودتان همسر و رفیقی درست می‌کنیم که به وسیله او آرامش بگیرید. جهیزیه و ماشین و... از شروط اصلی تشکیل خانواده نیست. باید دنبال آیات بود. باید دید آیا این فرد آرامش‌بخش است؟ این نشانه بارز همسریابی است. باید آیات وجودی فرد را دید.

- آیات وجودی پسر: دارای سخاوت، شجاعت، غیرت، جَنَم

- آیات وجودی دختر: شیرین بودن، صبور، مهربان

«لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»: دختر، هنگامی که حرف می‌زند باید انسان را آرام کند. شوهرش، پدرش، مادرش و فرزندش از او به آرامش برسند.

- اینها مأموریت‌های خانواده بود. خانواده فقط فرزند تولید نمی‌کند. اینها آیات وجودی منطبق با هستی است. خانواده در اسلام یعنی همین... .



(در اواخر تدریس استاد زاهدی، نوه ایشان وارد کلاس شد و استاد هم با مهربانی او را به اغوش خود دعوت کرد و تدریس را ادامه دادند...)

**📖 گزارش جلسه بیست و سوم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۲/۰۴**

**صابره: گزارش جلسه ۲۳ نظام‌شناسی / استاد زاهدی:** اگر شأن زن در جامعه و خانواده روشن شود، مشکل بی‌حجابی رفع خواهد شد / تصویب قوانین حمایتی از مادران توسط مجلس، موجب کاهش بی‌حجابی، طلاق و منکرات شده و منجر به بالا رفتن حرمت مادر و افزایش اشتغال مردان خواهد شد / شأن پدر در نظام خانواده اسلامی: همفکر، همراه، فرمانده و راهبر، تأمین کننده نیازها، مربی و مدافع حریم خانواده / شأن مادر در نظام خانواده اسلامی: مشاور و همراه، پرستار، معلم، قلب خانواده، واسطه فیض حق، منتقل کننده عواطف و انس و...

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه ۲۳ دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) به موضوع « مقایسه نظام خانواده در اسلام و غرب» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

#### \*مقدمه: خانواده در اسلام معانی و مأموریت های زیادی دارد

- خانواده اصلی ترین مرکز تولید و تربیت نیرو برای نظام انسانی و اجتماعی اسلام است.
- هدف تشکیل خانواده در غرب، محلی برای ارضای شهوات و زندگی مشترک در شکل روابط بین فردی و ارضای نیازهای جنسی و محلی برای تولید نسل بشری بوده که خانواده با همین محدوده نیز در آنجا زیر سوال رفته و در حال متلاشی شدن است.
- خانواده در اسلام معانی و مأموریت های زیادی دارد. خانواده محل تولد پدر، مادر، خواهر و برادر است.
- خاله، عمو، دایی و عمه با تشکیل خانواده نقش تربیتی و اجتماعی پیدا می کنند.
- انسان با مجموعه انواع تأثیرات ژنتیکی، موروثی، هنری، اقتصادی، علمی و سیاسی انسان می شود.
- در نظام خانواده است که صله رحم معنی پیدا می کند: روایت: «هر کس با جان و مال خود در راه صله رحم کوشش کند، خداوند عزوجل پاداش یکصد شهید به او می دهد». (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶)

#### \* شان پدر در نظام خانواده اسلامی: همفکر، همراه، فرمانده و راهبر، تأمین کننده نیازها، مربی و مدافع حریم خانواده

- ۱- در شکل همسر، هم فکر، همراه، همراز، مکمل آیات وجودی یکدیگر(زن و شوهر).
- ۲- در شکل فرمانده، ولی، مرشد، رهبر، راهبر، مدیر.
- نکته: آیه شریفه «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء» (نساء: ۳۴) به این معناست که مرد قیام کننده برای تربیت و رشد زن است، موانع رشد را برطرف و عوامل رشد را ایجاد می کند.
- ۳- در شکل مدافع و مجری مبارزات رسمی و آشکار: فریادها، راهپیمایی ها، سروصداهای جمعی، در برابر رانت های دولتی و دفاع از حریم خانواده.
- ۴- در شکل تأمین کننده نیازها و کمبود های خانواده.
- ۵- در شکل طراح نقشه راه برای هدایت خانواده.
- ۶- در شکل مربی اجتماعی.
- ۷- در شکل رابط اجتماعی خانواده.
- ۸- در شکل انتقال دهنده صفات ژنتیکی در تداوم نسل بشری.
- ۹- در شکل لباس و آبروی خانواده.
- ۱۰- در شکل رفع مشکلات بستگان و فامیل.

#### \*شأن مادر در نظام خانواده اسلامی: مشاور و همراز، پرستار، معلم، قلب خانواده، واسطه فیض حق، منتقل کننده عواطف و انس و...

- ۱- در شأن همراز، مشاور، شریک و بانک اطلاعات محرمانه خانواده.
- ۲- در شأن پرستار و پزشک خانواده.
- ۳- در شأن مشاور و راهنمای فرزندان.
- ۴- در شأن مربی کودکان و معلم مهارت های زندگی. (مهارت های زندگی با روش های مادرانه کسب می شود).
- ۵- در شأن پناهگاه و درمانگاه روحی و روانی و مشفقانه و دلسوزانه.
- ۶- در شأن هماهنگ کننده و اتصال دهنده و قلب خانواده و تأمین کننده روابط.
- ۷- در شأن پرورش دهنده نژاد و نسل انسانی و کودک پروری و از جان گذشتگی.
- ۸- در شأن مدیریت داخلی خانواده.
- ۹- در شأن منتقل کننده زیبایی ها و احساسات و عواطف انسانی.
- ۱۰- در شأن مدافع و مجری مبارزات پنهان انسانی و فرهنگی و راهبر اخلاق عملی: تحسین آیات وجودی و رفتارهای مثبت پدر در خانواده.
- ۱۱- در شأن ایجاد صمیمیت بین اعضای خانواده و ایجاد آرامش.
- ۱۲- در شأن توزیع کننده صمیمیت، انس، عطر انسانیت، عطر لطافت و عطوفت.
- ۱۳- در شأن انتقال دهنده ادب، معلم کلام و واسطه فیض حق.

\* اگر شأن زن در جامعه و خانواده روشن شود، مشکل بی حجابی رفع خواهد شد

- برای رفع مشکل بی حجابی باید شأن زن در جامعه و خانواده روشن شود. چراکه نود درصد خانم ها برای به دست آوردن موقعیت اجتماعی و بهبود وضعیت مالی وارد جامعه می شوند.

- برای با حجاب شدن دختران باید ودایع وجودیشان را تعریف کرد تا بفهمند و بدانند.

- راه رفع طلاق و بی حجابی، در نجات خانواده است.

\* تصویب قوانین حمایتی از مادران توسط مجلس، موجب کاهش بی حجابی، طلاق و منکرات شده و منجر به بالا رفتن حرمت مادر و افزایش اشتغال مردان خواهد شد

- برای حل مشکل بی حجابی مجلس باید برای مسئولیت هایی که زن در خانواده بر عهده دارد، قوانینی تصویب کند تا مادران حمایت مالی شوند و نیازی به درآمدزایی در خارج از محیط خانه نداشته باشند و در آخر عمر به خانه سالمندان رهسپار نشوند.

- نتایج این امر این است که:

۱- زن ها به خانه برمی گردند.

۲- بی حجابی کم می شود.

۳- حرمت مادر بالا می رود.

۴- بچه های بی مادر و بزهکار، مادردار می شوند.

۵- آمار طلاق کم می شود.

۶- با سرکار نرفتن خانم ها، آمار بیکاری آقایان کمتر می شود.

۷- بزهکاری و منکرات کم می شود.

\* «بیت» به عنوان جایگاه خانواده در اسلام، طبق آیات قرآن، به معنی آرامشگاه، دانشگاه، محل اقامه نماز و ذکر خدا و محل پاک شدن و تطهیر است

- جایگاه خانواده در اسلام «بیت» است.

خداوند کعبه خود را بیت الحرام نامیده است. همه فرهنگ ها در بیت، رویش و خیزش می کنند و به دنیا می آیند و آنجا محور است.

- معانی ششگانه «بیت» طبق آیات شریفه قرآن کریم:

۱- آرامشگاه است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل: ۸۰)

۲- دانشگاه است: «وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ» (احزاب: ۳۴)

۳- محل اقامه نماز است: «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (یونس: ۸۷)

۴- محل ذکر خدا است: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور: ۳۶)

۵- محل پاک شدن است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» (احزاب: ۳۳)

۶- محل تطهیر است: «إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶) ...

## 📖 گزارش جلسه بیست و چهارم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۲/۱۱

صابره: گزارش جلسه ۲۴ نظام شناسی / استاد زاهدی: دو ضعف بزرگ نظام خانواده در غرب: اشکال در مبانی، ضعف و ناتوانی در

اجرا / انسان، یک نظام کامل است / معرفی انواع نظاماتی که در کنار هم، نظام انسان کامل را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل

می کنند از جمله: نظام عاطفه، نظام علم، نظام عبادی، نظام روابط، نظام مرگ، نظام ازدواج، نظام حیات باطنی و... / آیاتی که با

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع می شود، تبیین کننده روابط بین مردم و همان جامعه شناسی اسلامی است

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۲۴ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با

سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ادامه

بررسی نظام خانواده» و «معرفی برخی نظامات که نظام انسان کامل را از حالت بالقوه به حالت بالفعل تبدیل می کند» پرداختند. در ادامه رئیس

مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

\*دو ضعف بزرگ نظام خانواده در غرب: اشکال در مبانی، ضعف و ناتوانی در اجرا / تعریف ناقص و منحرف غرب از انسان و کتمان ودایع وجودی انسان از جمله قلب و عقل ملکوتی

– اسلام از ریزترین امور تا گسترده ترین امور برنامه دارد. هیچ باطلی به نظامات آن راه ندارد.

– نظامات خانوادگی در غرب دو ضعف بسیار بزرگ دارند: یکی اینکه در مبانی اشکالات عظیمی دارند. دوم اینکه در اجرا، به ضعف‌ها و ناتوانی‌های بسیار رسیده‌اند. در مبانی، انسان را حیوانی برتر و پیچیده‌تر از حیوانات دیگر می‌بینند و کرامات و مقامات بلند انسانی را منکر هستند. به ودایع وجودی انسان مانند قلب و عقل ملکوتی قائل نبوده و برنامه‌ای برای تربیت این ودایع ندارند. حتی هدف و برنامه‌ای برای کنترل و هدایت غرایز زیستی هم ندارند.

– تمامی اعضای خانواده، انسان هستند. وقتی مبانی و تعریف انسان، ناقص و منحرف ارائه شد، جمع انسان هم ناقص و منحرف می‌شود. غربی‌ها معرفت انسان را مربوط به اطلاعات زمینی دانسته و حکمت (قوانین و اسرار حاکم بر این عالم) را انکار می‌کنند، در نتیجه هدایت خانواده برای این‌ها به انحراف و نقص منتهی می‌شود. چون انسان را شبیه به حیوان می‌شناسند، لذا جامعه شناسی آنها هم مبتنی بر همین دیدگاه است. در نتیجه خانواده در جامعه‌شناسی آنها ناقص و منحرف است و روانشناسی آنها منحرف است. جامعه انسانی که متشکل از تجمع خانواده‌هاست، ناقص و منحرف معرفی می‌شود. قوانینی هم که در این جوامع وضع می‌کنند، ناقص و منحرف می‌شود.

– تا اینجا اشاره شد که چرا مبانی غربی، خانواده و تعریف خانواده و تأسیس خانواده و مأموریت‌های خانواده و اهداف خانواده و شاخص‌های خانواده و آموزش و تربیت خانواده را ناقص و منحرف، طراحی می‌کنند.

– این تعاریف ناقص و منحرف، موجب نقص و انحراف و سقوط بیشتر و از هم گسستگی بیشتر در اجرا شده است. یعنی وقتی انسان را حیوان پیچیده‌تر می‌دانند، تمام بهره‌مندی انسان را در کسب لذت و رفاه در همین عالم محدود می‌کنند. تمام مقام و شخصیت انسان را در تسلط بر محیط اطراف اعم از محیط‌زیست یا جوامع و ملت‌های دیگر و یا محیط طبیعی، تعریف می‌کنند.

– انسانی که تمام هدفش لذت و تسلط به انسان‌های بیشتر باشد، مبنای حرکت او خودخواهی، خودمحوری، خودپرستی، شهوترانی، بی‌توجهی به حقوق دیگران، بی‌توجهی به حفظ سلامت محیط‌زیست، ایجاد جنگ‌ها و تجاوز به ملت‌های دیگر، تجاوز به حقوق هم‌وطنان و جامعه خویش و حتی تجاوز به حقوق یکایک اعضای خانواده است.

– طبق آمار رسمی کشورهای اروپایی، تنها سه درصد فرزندان اروپایی در خانواده سالم و کامل زندگی می‌کنند. بقیه کودکان یا تحت سرپرستی شهرداری یا مراکز نگهداری کودک و یا به صورت تک سرپرست اداره می‌شوند.

– به رغم اینکه بسیار از حقوق کودک و فرزند و همسر صحبت کرده و دادگاه تشکیل می‌دهند و قانون تصویب می‌کنند، اما همواره خبر از قتل کودکان و تجاوز به آنها و بی‌پناهی کودکان و سرکشی و آشفتگی کودکان را می‌شنویم. موضوع بحران جوانی و نوجوانی را مطرح می‌کنند که در نظام حقوقی آنها، معادل با دیوانگی است. تا جایی که در دادگاه‌ها، وکلای افراد بزهکار، اگر موکلشان نوجوان و جوان باشد، یکی از محورهای قابل اتکا برای آنان دیوانگی جوانان و نوجوانان بوده که می‌توانند به آن استناد کرده و از موکل خود و بزهکاری او دفاع نمایند. به‌گونه‌ای که برای دادگاه نیز استدلالی حقوقی و پذیرفته شده تلقی می‌شود.

### \* انسان، یک نظام کامل است

– در اسلام همه چیز از تعریف انسان شروع می‌شود. انسان، یک نظام کامل است. چراکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱) و امام علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند که عالم اکبر در وجود انسان است.

– نظام انسان بالقوه است که در نظامات کلی و در عرصه‌های مختلف، بالفعل می‌شود.

– چون انسان دارای نظام کاملی است، تمام عوامل تربیت کننده انسان هم باید دارای نظام کامل باشد. نظام‌های دیگر باید جمع شوند تا این نظام بالقوه انسان را بالفعل کرده و انسان را به نظام کامل تبدیل کنند.

### \* معرفی انواع نظاماتی که در کنار هم، نظام انسان کامل را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل می‌کنند

در این بخش به عنوان مقدمه، به معرفی برخی از نظامات بالفعل کننده «نظام انسان کامل» پرداخته می‌شود و در جلسه هفته بعد به اهمیت خانواده و «بیت» به عنوان محل هماهنگ کردن و زمینه‌ساز رشد این نظامات پرداخته خواهد شد. اگر زیرنظام‌های وجود خود را بشناسیم تا نفسمان تربیت شود، متصل به حق خواهیم شد: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲).

۱- نظام عاطفه:

\* اگر عطاوت حق شامل امور ما شود، امور ما هدایت و منور خواهد شد که شرط آن «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» است



– برای تربیت عواطف انسان، خداوند یک نظام عظیم را طراحی و ارائه کرده‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶). این «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» که در قرآن بسیار آمده است، و داد و دوستی و عواطف الهی انسان را سامان داده و پرورش می‌دهد و تربیت می‌کند.

– «رحمن»، لفظی است که مظهر و سرچشمه عاطفه بوده و از «رحیم» گسترده‌تر است. «رحمن»، رحمت واسعه برای کافران و مسلمانان است و از چشمه رحمت واسعه حضرت حق ما را به فیض می‌رساند. «رحیم»، رحمت خاص خداوند و ویژه اولیاء اوست.

– «رحمن» از چشمه حضرت حق، ما را به فیض می‌رساند و ودیعه «وَدَّ» و «وَدَاد» یعنی دوستی، محبت و عاطفه را در ما ایجاد می‌کند.  
– در دعای کمیل می‌خوانیم: «وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا». در اینجا معلوم می‌شود که و داد و عاطفه از فیوضات خاص و مستقیم حضرت حق است. ریشه عاطفه معرفت است. خداوند عاطفه دارد و عاطفه مطلق است. در این دعا، خداوند را به عزتش قسم می‌دهیم که در تمام امور به ما عاطفه بورزد. همه امور یعنی: امور فرزند، امور اقتصاد، امور سیاست، امور سلامت، تغذیه و... هزاران هزار امور داریم. در همه امور به عطوفت حق نیاز داریم. اگر عطوفت حق شامل امور ما شود، امور ما هدایت و منور شده و شامل بصیرت و و داد می‌شود، در غیر این صورت همه امور و عرصه‌های زندگی ما حیوانی می‌شود. مانند آنچه در غرب رخ داده است.

– چگونگی تجلی و محقق شدن عاطفه: به هر میزان ایمان و عمل صالح اتفاق بیفتد، تقسیم بر روابط انسانی، مساوی است با درصد صدور عاطفه. این قانون حاکم بر خلقت است. این حکمت و راهبرد است. در هر کجای عالم اجرا شود، آنجا گل و بلبل می‌شود.

– نتیجه «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» تجلی و داد و تجلی رأفت است. را در مساجد و حرم ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌توان مشاهده کرد.  
– در کل احوال و کل عرصه‌های حیات، از خداوند می‌خواهیم که رأفت و و داد و عطوفتش را در ما متجلی کند. شرط آن «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» است.

۲- نظام احساسات:

#### \* ریشه عاطفه، معرفت است و ریشه احساس غرایز زیستی است

انسان غیر از عاطفه احساس هم دارد. ریشه عاطفه، معرفت است و ریشه احساس غرایز زیستی است. یعنی درک نیاز به خواب، درک نیاز به مسکن، درک نیاز به همسر، درک گرسنگی و تشنگی و... احساس هستند. لذا دریافت اطلاعات از بیرون به عمق وجود انسان و آگاهی از نیازهای زیستی احساس است.

– «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات: ۴۰ و ۴۱). اگر نفس را از سرکشی باز بداری، اگر نفس را مزگی کردی و رشد دادی. جنت، مأوای تو می‌شود. اگر نفس و غرایز زیستی را خوب پرورش دادی، غذای سالم خوردی، ورزش کردی، به چاقی مبتلا نشدی، زیاد نخوردی و ننوشتی و نخوابیدی، اگر مراقبت و کنترل کردی، اگر بدنت را رشد دادی و قیام و سلامتی و توانا کردی...  
آنگاه: «الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» می‌شود.

– «فَذُفِّلَحْ مَنْ زَكَاها \* وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّها» (شمس: ۹۰ و ۹۱). آیات زیادی درباره زکات و زکوة نفس آمده است. با عمل به این آیات، احساس در جهت سلامت حرکت کرده و یار ما می‌شود. روح از ابتدا زکی است. آنچه آن را پلید می‌کند، امیال است. امیال همه زیستی هستند، از شکم، فرج، لباس، خواهش‌ها، حسادت‌ها، کینه‌ها، غضب‌ها، شهوت‌ها، طمع و خست‌ها و... بر می‌آید که سر منشاء آنها غرایز زیستی است. غرایز زیستی باید کنترل شوند تا موجبات رشد انسان را فراهم کند.

۳- نظام علم و معرفت و آگاهی انسان:

\* اول علم، پروژه مشترک انسان و جن برای نفوذ به کهکشان‌هاست. آخر علم، معرفت انسان است. لذا علم فعلی بشر، در مرحله نوزادی خود است

– «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (رحمن: ۳۳). می‌فرماید: همه گروه جن و انس نمی‌توانند در اقطار سماوات نفوذ کنند مگر با تکنولوژی بسیار پیشرفته. این اول علم بشری است. اگر معرفتتان بالا نرود و سلطان (تکنولوژی) پیدا نکنید، نمی‌توانید در اقطار سماوات نفوذ کنید. باید دانش زمینی‌تان تا حدی بالا برود که بتوانید با جن، پروژه مشترک اجرا کنید. سماء، همین کهکشان ماست. سماوات یعنی میلیاردها کهکشان.

– «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰)

– «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي» (نمل: ۴۰) آن انسانی که گوشه‌ای از علم کتاب در دستش بود، در یک چشم بر هم زدن، تخت ملکه را نزد حضرت سلیمان (علیه السلام) آورد و گفت: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي». یعنی علمی داشت که توانست آن تخت با حجم عظیم را با سرعتی غیرقابل باور از مکانی دور به مکان خود منتقل نماید.

اول علم، پروژه مشترک انسان و جن برای نفوذ به کهکشان‌هاست (طبق آیه ۳۳ سوره رحمن). آخر علم، معرفت انسان است (طبق آیه ۲۰ سوره لقمان و آیه ۴۰ سوره نمل و سایر آیات). لذا علم فعلی بشر، در حد و مرحله نوزادی خود به سر می‌برد.

۴- نظام روابط :

\* آیاتی که با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع می‌شود، تبیین کننده روابط بین مردم و همان جامعه شناسی اسلامی است

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) طبق این آیه رابطه انسان با جامعه‌اش دارای نظام می‌باشد به این معنا که اگر کسی به شما محبتی کرد شما بهتر از آن را برایش انجام دهید. آیات بسیاری که با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع می‌شود، تبیین کننده روابط بین مردم است و به عبارت دیگر جامعه شناسی اسلامی می‌باشد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (بقره: ۱۷۲)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره: ۲۵۴)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم مَّضَاعَفًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۳۰)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء: ۲۹)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء: ۱۴۴)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (مائده: ۵۱)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (حجرات: ۲۰) ...

۵- نظام عبادی:

تمام عبادات دارای نظام می‌باشد. از جمله این نظامات می‌توان به نظامات حج، ازدواج، تجارت، امر به معروف و نهی از منکر، ارث، روزه، نماز، خمس، زکات و ... اشاره نمود که رسالات فراوانی احکام آنها را تشریح و طبقه‌بندی کرده‌اند. این نظامات انسان را می‌سازد و انسان بدون نظام عبادی ناقص است.

۶- نظام اخلاقی:

تمام افکار و رفتار و حالات انسان نظام دارد و دستور داریم که هرکس باید نظام اخلاقی را یاد بگیرد و در خود ایجاد کند. کتاب‌های اخلاقی بسیار که بر مبنای آیات و روایات است، بیانگر این است که هر انسانی باید مفسد و ملکات نفسانی را از خود دور کند و مکارم اخلاقی را در خود تقویت کند. هویت درونی، صفات و حالات، افکار و رفتار انسانف نظام دارد.

۷- نظام مهارت زیستی:

در این نظام وظایف اعضای خانواده در عرصه امور معیشتی و زیستی تبیین گردیده است. حیات ملکی، شغل و کسب و کار، محیط‌زیست، مهارت‌های کودکی، مهارت‌های نوجوانی، مهارت‌های اداره یک زندگی و ...

۸- نظام حیات ملکوتی و باطنی انسان:

\* برای حیات ملکوتی مان هم نظام وجود دارد. لذا در دنیا باید به نحوی قلب تربیت شود که مصداق قلب سلیم گردد

این نظام در انسان به صورت بالقوه وجود دارد و انسان هر لحظه در حال ساختن حیات برزخی خود می‌باشد. موجود برزخی را که در این عالم در وجود خود پرورش داده‌ایم، بعد از مرگ، زندگی خود را شروع می‌کند. با توجه به اینکه عالم برزخ همین حالا هم وجود دارد و این عالم بر همه انسان‌ها محیط است، اگر در این دنیا رشید شده باشیم، بعد از مرگ از رشدی که کرده‌ایم لذت خواهیم برد. وای بر آدم عصبانی که فشار قبر خواهد داشت، وای بر آدم منافق مردم پرست، وای بر آدم دنیاپرست و شهوتی... .

حیات ملکوتی و باطنی انسان، نظام دارد. باطن انسان قلب روحانی است و محل آن در حوزه قلب جسمانی است. «پاره گوشتی به رگی از رگ‌های درون انسان آویزان است و این از عجیب‌ترین موجوداتی است که در درون انسان است و آن قلب است.» (امام علی علیه السلام، نهج البلاغه). این نظام باید تربیت شود. ۱۹۲ آیه فقط برای تربیت قلب داریم. درباره امراض، آسیب‌ها، گرایش‌ها، بیماری‌ها، توانایی‌ها و قدرت‌های مربوط به قلب. طبق این آیات متوجه می‌شویم که برای حیات ملکوتی مان هم نظام وجود دارد. لذا در دنیا باید به نحوی قلب تربیت شود که مصداق قلب سلیم گردد. «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعرا: ۸۹)، «وَلَكِنْ يُؤْخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ» (بقره: ۲۲۵). باید مراقب باشیم تا قلبمان عقب مانده نباشد، چشم‌ها و گوش‌های قلبمان کار کند.

۹- نظام ازدواج:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱). نظام ازدواج باعث تولید زن، مرد، پدر، مادر و فرزند می شود و نیز در ارتباط با سایر اعضای خانواده نقش هایی مانند دایی، خاله و... را ایجاد می نماید.

۱۰- نظام مرگ:

مرگ نظام دارد، نوع مرگ هر شخص تعیین شده است و یک عده ممکن است با حادثه و تصادف و مرگ فجعه از بین روند و یک عده به مرگ طبیعی.

«وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (انعام: ۶۰)  
یک عده از شما، باید حتماً در خواب بمیرید. بعضی ها در روز می میرید. اجل مسمی: اجل دقیق شده، اجل ثبت شده.  
«قُلْ لَوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (آل عمران: ۱۵۴)

اگر در پیشانی کسانی، مرگ فجعه (قتل) ثبت و مقدر شده باشد، در صورتی که دعا کنند و طلب شهادت کنند و خدا لطف کند، این مرگ فجعه به بالاترین مقام، تبدیل می شود، یعنی شهادت. در غیر این صورت باز هم کشته خواهند شد.

۱۱- نظام رشد و حیات انسان:

\* رشد کمال و انسانیت و آدم شدن، پس مسوئی شدن، آغاز می شود

«ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴)  
«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۲۸-۲۹)  
«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص: ۱۴)

مراحل رشد انسان نظام دارد. «بشر» که شد، هنوز حیوان است. مثل تاجر و اوباما. «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ» وقتی که قلب انسان به نهایت رشد برسد، وقتی عقل ملکوتی به نهایت رشد برسد، وقتی غرایز زیستی به نهایت کنترل برسد، انسان مسوئی می شود و به استوا و تعادل و زیبایی و ظرافت می رسد. آن وقت مسوئی که شد، «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» صورت می گیرد. رشد کمال و انسانیت و آدم شدن، تازه از این نقطه (پس از مسوئی شدن) شروع می شود نه از دوران نوزادی و شیرخوارگی ...

- اینها همه مقدمه بود تا برسیم به اینکه، این نظامات (که ۱۱ مورد آن در این جلسه مطرح شد) کجا باید هماهنگ شوند تا رشد پیدا کنند. خانواده و بیت، محل هماهنگ کردن این نظامات و زمینه ساز این نظامات است ...

📖 گزارش جلسه بیست و پنجم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۲/۱۸

صابره: گزارش جلسه ۲۵ نظام شناسی / استاد زاهدی: خانواده اسلامی، یک نظام فرهنگی است / معرفی مبانی خانواده در اسلام و

غرب / ویژگی های ده گانه بیت اسلامی / معرفی ۴ رکن نظام خانواده اسلامی

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۲۵ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ویژگی های بیت اسلامی» و «نظام خانواده اسلامی» پرداختند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

\* معرفی مبانی خانواده در اسلام و غرب

- نظام خانواده در غرب فاقد اصول است و دچار تکثرگرایی است. به همین دلیل است که نهاد خانواده ها در اروپا و آمریکا مدام در حال فروپاشی است.

- مبنا و اصول باید با هستی و طبیعت و ذات انسان هماهنگ باشد. مبانی خانواده های غربی؛ آسایش، امنیت، مال، محبت بی ریشه، زیبایی، عشق و... است و هنگامی که این عوامل در زندگی از بین برود، خانواده از هم گسسته می شود.

- علت افزایش آمار طلاق در کشورهای اسلامی، تغییر مبانی و غربی شدن خانواده ها است.

- مبانی خانواده در اسلام، برگرفته از قوانین حکمت و علم خلقت است. در اسلام، تربیت یعنی؛ تربیت عواطف، احساسات، روابط، اخلاق، مهارت های زندگی، مرگ، شکوفایی استعدادها، سیاست، حکومت، ولایت و ...

- اسلام در بیوت (خانواده) خلق می شود. بیت الله فقط چهاردیواری نیست بلکه یک حرکت فرهنگی عظیم است. بزرگ شدن بیت در بیشتر شدن فرهنگ و معرفت است نه بیشتر کردن ساختمان ها. بیت باید از نظر ظاهری، ساده تر و از نظر فرهنگی، غنی تر باشد.

حضرت ابراهیم وقتی خواستند بیت الله را بسازند فرمودند: خدایا انسان های صالح را به اینجا بیاور و مردم را از صحراهای دور صدا بزن ... .

- طبق آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) یکی از ویژگی های اهل البیت طهارت است. ابتدا باید از هر پلیدی دور شوند، سپس پاک شوند.

### \* ویژگی های ده گانه بیت اسلامی

- ۱- تقسیم وظایف.
  - ۲- دارای مأموریت است.
  - ۳- هر رکنی از رکن ماقبل و مهمتر از خودش روییده است.
  - ۴- هماهنگی و هدف واحد دارند.
  - ۵- با هستی هماهنگ بوده و کاملاً فطری است. با حرکت دریا، آسمان، کائنات و حتی میکروب ها هماهنگ است.
  - ۶- آیات وجودی انسان را رشد می دهد.
  - ۷- حرکت معنوی و درونی دارد. در حال رشد و تحولات مثبت هستند. خانواده ساکن نیست و در حال حرکت است.
  - ۸- در مسیر تولید هستند؛ علم، اتحاد، رحمت.
  - ۹- در کار تأسیس بیت هستند، همه اعضا در حال چینش آجرهای بیت هستند.
  - ۱۰- در حال استكمال هستند. یعنی اعضا به سوی تکامل حرکت می کنند و هر حرکت آنها استکمالی و کمال پذیر است. اما بعضی از خانواده ها فتنه هستند.
  - به سبب این ۱۰ نظام، خانواده هماهنگ است. هماهنگی یعنی، همدیگر را در حرکت صحیح راهنمایی و پشتیبانی کنند و با همفکری یکدیگر مشکلات را حل کنند. اما در یک نظام باطل، هر کس ساز خودش را می زند.
- \* معرفی ۴ رکن نظام خانواده اسلامی به عنوان یک نظام فرهنگی**
- خانواده اسلامی، یک نظام فرهنگی است. همانطور که قبلاً ذکر شد، نظام فرهنگی شامل: ۱- مبانی فرهنگ ساز ۲- صنایع فرهنگ ساز ۳- عرصه های فرهنگ ساز ۴- مراکز فرهنگ ساز است. حال این ۴ رکن در خانواده اسلامی بدین گونه است:
- مبانی فرهنگ ساز خانواده؛ آگاهی از نظام خانواده و شناخت زیرنظام های انسان است. شناخت بیت و اینکه انسان در بیت تربیت می شود، جزء مبانی خانواده است.
- صنایع فرهنگ ساز خانواده؛ تولید پدر، مادر، خواهر و برادر است. در طول ۹ ماه بارداری، مادر را باید به دانشگاه های مختلف الهی برد و باید یاد بگیرد بهشت زیر پای مادران است، یعنی چه؟
- عرصه های فرهنگ ساز خانواده؛ عرصه عروسی، تولد فرزند، عرصه میهمانی، روابط خویشاوندی، رابطه با مدرسه، رابطه با دانشگاه، تعلیم و تربیت، شرکت در حرکت های دسته جمعی، تشییع جنازه، عیادت، ختم و عزاداری و ... .
- مراکز فرهنگ ساز خانواده؛ بیت مرکز فرهنگ ساز است ... .

### 📖 گزارش جلسه بیست و ششم دوره نظام شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۲/۲۵

**صابره: گزارش جلسه ۲۶ نظام شناسی / استاد زاهدی: معرفی ارکان فرهنگی نظام خانواده اسلامی / اگر خانواده ها آموزش ببینند و نظام خانواده اسلامی برقرار شود، بی حجابی ها از بین می رود / ماه مبارک رمضان قله ای است که ماه رجب دامنه آن است / صله رَحِم فقط ژنتیکی نیست، بلکه یک صنعت است که درون آن وداد، رحمت و محبت است و این صنعت در کارخانه «بیت» و خانواده تولید می شود / جشن طلاق، یک مأموریت از جانب دشمن است تا همه را به سوی روابط نامشروع هدایت کنند**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۲۶ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد.

جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) به موضوع «فضیلت ایام رجب و تفسیر لیلۃ القدر» و «معرفی ارکان فرهنگی نظام خانواده اسلامی» پرداختند. در ادامه رؤوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

#### \* ماه مبارک رمضان قله‌ای است که ماه رجب دامنه آن است

- یکی از ویژگی‌های این ایام، فهم عمیق عبادت است که عبادت حق چگونه باید اتفاق بیفتد. خیلی‌ها زحمت می‌کشند تا در ماه مبارک رمضان به میهمانی خدا راهشان بدهند. همه ایام و لیالی ماه رجب، پیش نیازهای آن جریان است. ماه رجب پیش نیاز ماه شعبان و ماه شعبان پیش نیاز ماه رمضان است و ماه رمضان، پیش نیاز لیلۃ القدر است.

- ماه مبارک رمضان قله‌ای است که ماه رجب دامنه آن است. کسی که از این دامنه نتواند بالا برود، به آن قله نیز نخواهد رسید.

#### \* شب قدر از آن هزار ماه که همه‌اش خیر و طاعت مقبول باشد، بهتر است

- بر اساس آیات قرآن، شب قدر در ماه مبارک رمضان است. در شب‌های احیاء احتمال وجود شب قدر بیش‌تر از سایر شب‌های ماه مبارک رمضان است. دقت می‌کنیم تا در شب قدر، برات آزادی از آتش جهنم و ضمانت‌نامه عاقبت بخیری را از خداوند بگیریم. اما سوره قدر، معارف عظیم‌تری از آنچه که ما درباره شب قدر می‌دانیم، ارائه می‌دهد. آنچه که در این شب اتفاق می‌افتد در برابر آنچه که ما می‌دانیم، شاید اقیانوسی باشد در برابر یک ارزن. لذا فقط برات آزادی از آتش جهنم نیست.

- متن صریح خود قرآن می‌فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (قدر: ۳) شب قدر از ۱۰۰۰ ماه بالاتر، زیباتر، شریف‌تر، گواراتر، نورانی‌تر است. اینها معانی «خیر» است. ۱۰۰۰ ماه معادل ۸۳ سال عمر مفصل است. در حالیکه ما اگر ۸۰ سال عمر کنیم، نصف آن را در خواب هستیم. بقیه آن را هم به اشتغالات روز و شب و ایام کودکی و نوجوانی سپری کرده و مقدار کمی از آن شامل طاعات و عبادات (اگر قبول شده باشد)، خواهد شد. اما شب قدر از ۱۰۰۰ ماه با محتوا و تماماً در حال عبادت، بالاتر می‌باشد. یعنی فقط عمر ۸۰ ساله یک معصوم می‌تواند ۱۰۰۰ ماه را اینگونه سپری نماید. این در حالی است که شب قدر از آن ۱۰۰۰ ماه عمری که همه‌اش خیر و طاعت مقبول بوده است، بهتر می‌باشد. علت و چرایی بالاتر بودن شب قدر از ۱۰۰۰ ماه از نظر خداوند این است: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ» (قدر: ۴ و ۵) ملائکه تماماً و کمالاً به همراه حضرت روح (جبرئیل) نازل می‌شوند. در تمام میلیارد‌ها میلیارد امور. حضرت روح، تجلیات «سلام» را در تمام امور نازل می‌فرماید. «سلام» از اسماء حضرت حق می‌باشد: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ» (حشر: ۲۳) و حضرت زهرا سلام الله علیها فرموده‌اند «اللهم أنت السلام و منک السلام و إلیک يرجع السلام» (وسائل الشیعه، جلد ۸، صفحه ۱۳۰). سلام، یعنی حضرت روح به نمایندگی از خداوند متعال می‌آید و آنچه که با خود نازل کرده به مقام تسلیم در لیلۃ القدر قرار می‌دهد.

\* فقط حضرت زهرا سلام الله علیها توان درک همه مقامات شب قدر را دارند/ اگر خانواده‌ها آموزش ببینند و نظام خانواده اسلامی برقرار شود،

#### بی‌حجابی‌ها از بین می‌رود

- امام صادق علیه السلام فرمودند که لیلۃ القدر همان حضرت زهرا سلام الله علیها است. (به نقل از ترجمه جلد هفتم بحار الأنوار، ج ۳، ص: ۶۶). فقط حضرت زهرا سلام الله علیها توان درک همه مقاماتی را که در آن شب قدر اتفاق می‌افتد را دارند. ما ریزه خوار خوان و سفره حضرت زهرا سلام الله علیها هستیم.

- اگر می‌خواهی در شب قدر سر سفره حضرت زهرا سلام الله علیها بنشینید، لحظه لحظه‌های ماه رجب را به آگاه کردن مردم پردازید. صدای هل من ناصر ولی فقیه می‌آید. حفظ جمهوری اسلامی واجب است. باید خانواده‌ها را بیدار کرد. بزرگ‌ترین نظام اسلام، نظام خانواده است. اگر خانواده‌ها آموزش ببینند و نظام خانواده اسلامی برقرار شود، بی‌حجابی‌ها از بین می‌رود.

- کسی که در رکاب حضرت زهرا سلام الله علیها است، برات آزادی از آتش جهنم برای چه می‌خواهد؟ اگر خالصانه و صمیمانه در رکاب حضرت فاطمه سلام الله علیها زحمت بکشیم، ما باید از آتش اجازه بگیریم یا آتش از ما؟

#### \* آموزش خانواده قرآنی، راه نجات جامعه است

- ما باید راه حضرت فاطمه سلام الله علیها را برویم که به عبادت فردی، اکتفا نکرد و برای آگاه سازی مردم از خانه بیرون زد و به مسجد رفت و در این راه، درب خانه‌اش را به آتش کشیدند و پهلایش را شکستند. یا راه امام حسین علیه السلام را که برای یاری دین خدا قیام کرد و سرش را و علی‌اکبرش را از دست داد تا آگاه سازی کند. چون که ۱۰۰ آید، ۹۰ هم پیش ماست. تو اگر می‌خواهی به فیض شب قدر برسی، باید معرفت عمیق و صحیح را یاد بگیری. باید عبادات برتر را انتخاب کنی. آموزش خانواده قرآنی، راه نجات جامعه است. باید همه را مطلع کرد که قرآن درباره خانواده چه می‌گوید تا تسلط نظام خانواده غربی را از بین ببریم.



– خانواده یک واحد فرهنگی است، بنابراین مثل خود فرهنگ، دارای مبانی فرهنگ‌ساز، عرصه‌های فرهنگ‌ساز، مراکز فرهنگ‌ساز و صنایع فرهنگ‌ساز است.

الف – مبانی فرهنگ‌ساز در خانواده

۱- آگاهی از نگاه اسلام به خانواده به عنوان یک نظام کامل

۲- آگاهی از نگاه اسلام به انسان به عنوان یک نظام کامل

۳- آگاهی از زیرنظام‌های تشکیل دهنده انسان و خانواده

ب- عرصه‌های فرهنگ‌ساز در خانواده

۱- ارتباط خانواده‌ها با یکدیگر (میهمانی‌ها و...)

۲- جشن‌های عروسی و دامادی

۳- عرصه‌های همسری و همسراری

۴- عرصه تولد فرزند

۵- عرصه روابط با خویشان

۶- عرصه روابط با جامعه، مدرسه، دانشگاه، کسب، محیط کار، مطبوعات، رسانه‌ها، تجمعات

۷- عرصه روابط بین فردی در داخل خانواده: برادر با خواهر، فرزند با پدر و ... .

این‌ها به عنوان نمونه، عرصه‌هایی هستند که مربوط به خانواده است و در جامعه فرهنگ‌سازی می‌کند.

ج- مراکز فرهنگ‌ساز در خانواده

۱- بیوتات- بیت

مقام بیت آنچنان بالاست که خاندان مکرم وحی را اهل بیت می‌گوییم. ۵ تن آل عبا. اصل حدیث کساء، داستان سلام و علیک اهل البیت است.

۲- عنوان اهل البیت از جانب حقتعالی

آیه قرآن که درباره اهل کساء و در شأن اهل البیت نازل شده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» (احزاب: ۳۳)

۳- خداوند عظیم‌ترین مسجد و عبادتگاهی را که منصوب به خودش کرده، بیت الله الحرام نامیده است. خداوند متولی بیت را مادر قرار داده است. در بیت الله الحرام، دامن مادر و دامن هاجر جزء طواف است.

د- صنایع فرهنگ‌ساز در خانواده

۱- صنعت تولید اولوالارحام

تولید اولوالارحام فقط در خانواده صورت می‌گیرد. صنعت اول خانواده، تولید رَحِم (به معنای فرهنگی آن، نه پزشکی) می‌باشد.

امام علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «الْمَوَدَّةُ أَقْرَبُ رَحِمٍ» (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۴۱۳) دوستی‌های عملی بهترین و نزدیک‌ترین رَحِم است. مودت یعنی محبت و فداکاری و دوستی عملی. محبتی که در حد ایثار بالا برود، مودت نام دارد و این مودت از بالاترین صله رَحِم‌هاست. این نشان می‌دهد که رَحِم فقط شامل ژنتیک نیست. بلکه رَحِم شامل دوستی سخاوتمندانه و ایثارگرانه هم می‌شود. صله رَحِم فقط خونی نیست، بلکه یک صنعت است که درون آن فقط رحمت و محبت و وداد است و این صنعت در کارخانه «بیت» و خانواده تولید می‌شود. لذا خانواده اسلامی تولید مودت می‌کند.

– رَحِم فقط معنی پزشکی نمی‌دهد. یک صنعت فرهنگی است که در کارخانه بیت تولید می‌شود. رَحِم یعنی مرکز رحمت، محبت، عنایت، لطف، شفقت و دلسوزی. در نتیجه صله رَحِم یعنی وصل کردن افراد به مرکز رحمت. اینجاست که طبق روایات شریفه، اگر کسی به قصد قربت، در راه صله رَحِم حرکت کند و کشته شود، شهید است و اگر مالی از دست بدهد، مجاهد فی سبیل الله است. یا کسی که برادر مؤمن را زیارت کند از زوارالله محسوب می‌شود و ... .

۲- صنعت تولید پدر و تولید مادر

۳- تولید مهم‌ترین و اصلی‌ترین واحد جامعه: خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین واحد جامعه است. اگر خانواده از هم بپاشد، عرش خداوند به لرزه در می‌آید. جشن طلاق، یک مأموریت از جانب دشمن است تا همه را به سوی روابط نامشروع هدایت کنند. خداوند توطئه‌انگیزی که جشن طلاق می‌گیرند را بر سرشان خراب کند.

۴- صنعت تولید اتحاد و اتفاق و هماهنگی و صداقت: این‌ها در خانواده تولید می‌شود.

- ۵- صنعت تولید فرهنگ و معرفت و آگاهی و عادات مطلوب و شایسته
- ۶- تولید آرامش و آسایش: خانواده می‌تواند به ما آرامش و آسایش روحی بدهد و به آن پناه می‌بریم.
- ۷- تولید نیروی انسانی برای امور جامعه
- ۸- صنعت بازپروری و بازسازی روانی و جسمی و رفع انزوایی و افسردگی
- ۹- صنعت رشد و پرورش و آموزش
- ۱۰- صنعت تولید غیرت و دفاع و شجاعت
- ۱۱- صنعت تولید عفت و عفاف و حیا
- ۱۲- صنعت تولید انس و مودت و عشق
- ۱۳- صنعت تولید بندگی و اخلاص و صفا و یکرنگی قناعت
- ۱۴- صنعت تولید قدرت و استحکام و استواری ...

### 📖 گزارش جلسه بیست و هفتم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۳/۰۱

**صابره: گزارش جلسه ۲۷ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: بانکها به عنوان مبنای ربا، تورم، سرمایه‌سالاری و اشرافی‌گری بوده و مرکز غارت بیت‌المال و بازوی تحریمها هستند / اگر نظامات بر اساس اندیشه توحیدی طراحی و اجرا شوند، آن کشور توسط اسلام مدیریت شده و در برابر دشمن و نظامات آنها غیرقابل نفوذ و آسیب‌ناپذیر می‌شود / مراحل بررسی چگونگی تسلط نظامات کفر و سکولار بر عرصه‌های تمدن ساز جهان اسلام**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه ۲۷ دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه اول خرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «بررسی چگونگی تسلط نظامات جهان سکولار بر جهان اسلام و معرفی مراحل آن» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

**\* بانکها به عنوان مبنای ربا، تورم، سرمایه‌سالاری و اشرافی‌گری بوده و مرکز غارت بیت‌المال و بازوی تحریمها هستند**

- سوال این است چگونه نظامات غربی بر جهان اسلام مسلط شدند؟ پاسخ به این سوال بسیار مهم است. نیروهای فرهیخته به تحیر افتاده‌اند که چرا پسر فلان آیت الله اینگونه شده است؟ چرا برخی‌ها بر علیه آمریکا سخنرانی می‌کنند ولی در عمل و هنگام قانون سازی یا در اجرای قانون، کاری نمی‌کنند؟ می‌گویند مرگ بر آمریکا می‌گفتیم ولی اکنون وقتش نیست و مرگ بر آمریکا گویان را تندرو می‌نامند. فریب می‌دهند؛ در حقیقت با دشمن همکاری می‌کنند ولی در ظاهر به دشمن ناسزا می‌گویند؟

- سرمایه داری در اسلام خوب است اما سرمایه سالاری خیر. اصطلاح فقهی سرمایه سالاری در اسلام، ربا نام دارد. در حال حاضر رسماً ربا را قانونی و علمی کرده‌اند. آیت الله حائری شیرازی در همین مؤسسه فرمودند «مبنای پول ربوی است».

- اکنون بانکها مبنای ربا و تورم و سرمایه سالاری شده‌اند. بانکها مبنای نفوذ قدرت‌ها و گردن کلفت‌ها و تراست‌ها شده‌اند. بانکها بازو و مبنای همین تحریم‌ها شده‌اند. بانکها بزرگترین عامل استعمار شده‌اند. اشرافی‌گری مبنای بانک است. بزرگترین عامل اختلاس و بدهکاری‌های میلیاردی خود بانکها هستند. بانکها بزرگترین مرکز غارت بیت المال شده‌اند. بانکها مرکز بی عاطفگی هستند. خانه بدهکار ناتوان را حراج می‌کنند ولی به آن بدهکار ۱۰۰۰ میلیاردی، ۴۰ هزار میلیارد هم رانت می‌دهند. دادستان کشور در مجلس گفت که در فهرست بدهکاران کلان بانکی که از بانک مرکزی دریافت کرده، اسامی برخی از بدهکاران کلان نیست!

**\* اگر نظامات بر اساس اندیشه توحیدی طراحی و اجرا شوند، آن کشور توسط اسلام مدیریت شده و در برابر دشمن و نظامات آنها غیرقابل نفوذ و آسیب‌ناپذیر می‌شود**

شماره عرصه‌های تمدن ساز به تعداد تمامی عرصه‌های حیات انسانی است. صدها عرصه در جامعه داریم:

نظام دفاعی، نظام حقوقی، نظام سیاسی، نظام خانواده، نظام دانشگاهی، نظام آموزش و پرورش، نظام مهد کودک‌ها، نظام بازنشستگان، نظام‌های صنفی، نظام کشاورزی، نظام مطبوعات، نظام اینترنت، نظام علمی، نظام شهرداری، نظام شهرسازی، نظام بهداشتی، نظام پزشکی، نظام مهندسی، نظام لباس و پوشش، نظام ساختمان، نظام واردات و صادرات، نظام حمل و نقل (دریایی، هوایی، ریلی، جاده‌ای)، نظام کارخانه‌ها و صنایع، نظام خرید و فروش، نظام توزیع کالا و ... به اینها نظامات تمدن ساز می‌گویند. اینها مدنیت است. همه جوامع و ملت‌ها به این نظامات

احتیاج دارند تا تمدنشان را اداره کنند. اگر این نظامات توسط اسلام و بر اساس اندیشه توحیدی طراحی و اجرا شوند، آن کشور به معنای واقعی توسط اسلام مدیریت شده و بر اساس نظام توحیدی اداره شده و در برابر دشمن و نظامات آنها غیرقابل نفوذ و آسیب ناپذیر می‌شود. اما اگر نظامات اسلامی در دسترس مردم نباشد، آنها ناچاراً به سراغ نظامات موجود و در دسترس می‌روند که توسط جهان کفر و سکولار با عقبه‌ای ۴۰۰ ساله (از دوران رنسانس) آماده و مهیا شده‌اند و برخی‌ها حتی مجذوب نظامات غربی می‌شوند.

- اگر بتوانیم نظام رایانه‌ای بر مبنای اسلام طراحی کنیم، مردم منتظر نمی‌مانند و رایانه‌های خارجی را وارد کرده و تمام نظام رایانه‌ای کشور به دست دشمن می‌افتد. استاد این نظام، صنعت این نظام، سخت افزار و نرم افزار این نظام از خارج وارد می‌شود. دانشگاه‌ایمان بر اساس اندیشه‌های آنها تدریس می‌کنند. سامانه‌های رایانه‌ای ادارات ما بر اساس اندیشه‌های آنان عمل می‌کنند. لذا دشمن از طریق نظام رایانه‌ای بر عرصه‌های تمدن ساز ما مسلط می‌شود.

- تمامی عرصه‌های تمدن ساز جامعه، نظام می‌خواهد. چون جهان اسلام، برای طراحی این نظام‌ها فکری نکرده است لذا این عرصه‌ها به چنگ دشمن می‌افتند.

- بعد از انقلاب نظام بانکداری اسلامی را طراحی نکردیم، در حالی که قبل از انقلاب صندوقهای قرض الحسنه را داشتیم که آنها را تبدیل به بانک اسلامی نکردیم. لذا مردم پولهایشان را در بانکها گذاشتند و تمام سرمایه‌ها در چنگ بانکها رفت که عامل مستقیم نظام بانکی غربی هستند و هیچ مبنای الهی ندارند. عاطفه ندارند. به راحتی خانه بدهکار مستضعف را حراج می‌کنند و هیچ اعتنایی به ناله‌های او نمی‌کنند.

**\* دیگر رژیم پهلوی نیست که بی حجابی بیاورد، نظامات کفر و سکولار هستند که بی حجابی می‌آورد**

- ما بعد از انقلاب فقط نظام ولایت فقیه و قانون اساسی و شورای نگهبان و مجلس خبرگان را از اندیشه‌های اسلام طراحی کردیم، اما زیرنظام‌ها را طراحی نکردیم.

- در نظام سینمایی ما، اگر سریال‌های مختار و یوزارسیف پخش شود، مردم دوست دارند و استقبال می‌کنند اما اگر این تولیدات کم باشد، مردم به سراغ سریال‌های خارجی ۳۰۰ قسمتی می‌روند. اول به عنوان سرگرمی به سمت این برنامه‌ها می‌روند ولی کم کم به فرهنگ آنان و هنرپیشه آنها و سبک زندگی آنها علاقمند می‌شوند و الگو می‌گیرند. آنگاه این برنامه‌ها روی فکر و اندیشه مخاطب اثر می‌گذارند.

- جامعه ابتدا به دلیل نیاز به رایانه و بانک و هواپیما و درمان و... به نظامات جهان کفر و سکولار مراجعه می‌کند. البته آمریکا و چین و روسیه آن فرقی نمی‌کند. وقتی انبوه مردم این نظامات را بر رفع نیازهای خود پذیرفتند و تخصصهای مربوط به آن را کسب کردند، به این نظامات علاقمند و ارادتمند هم می‌شوند. حال یک سیاست‌باز غربزده می‌خواهند که آنان را مدیریت کند.

- دیگر رژیم پهلوی نیست که بی حجابی بیاورد، نظامات کفر و سکولار هستند که بی حجابی می‌آورد. نظامات آموزش و پرورش را باید نجات داد تا مشکل بی حجابی رفع شود.

- در کشور ما از ابتدا خائن درست نمی‌شود. به چند دلیل زمینه خیانت فراهم می‌شود:

دلیل اول: طراحی نکردن نظامات تمدن ساز اسلامی در کشور

دلیل دوم: آماده و فراهم بودن نظامات غربی

دلیل سوم: روی آوردن جامعه به نظامات غربی برای بهره‌برداری و رفع نیاز

دلیل چهارم: انبوهی از جمعیت میلیونی کشور کاربر آن نظامات شده و به آن نظامات علاقمند و ارادتمند شده و لذا زمینه خیانت به نظام اسلامی برای برخی‌ها فراهم خواهد شد.

- عرصه‌های تمدن ساز ما در چنگ غرب است و عرصه‌های اعتقادی ساز ما در دست ولی فقیه است.

**\* مراحل بررسی چگونگی تسلط نظامات کفر و سکولار بر عرصه‌های تمدن ساز جهان اسلام**

اینها سیر مرحله‌بندی و طبقه‌بندی تسلط دشمن بر ماست:

۱- شماره عرصه‌های تمدن ساز در جهان اسلام و تمام جهان، به تعداد تمامی عرصه‌های حیات انسانی است.

۲- عدم وجود نظامات اسلامی در عرصه‌های تمدن ساز بر اساس نظام توحیدی به صورت بسیار محسوسی به چشم می‌خورد.

۳- نیاز عرصه‌های جامعه به نظام تمدن ساز غیر قابل انکار است و طبیعت و فطرت یک جامعه است که هر جامعه‌ای نیاز به نظام مورد نظر خود را داشته باشد.

۴- آماده بودن نظامات کفر و سکولار برای بهره‌برداری، موجب می‌شود که هر کجا که جهان اسلام نظام لازم را نداشته باشد، مردم به طور طبیعی مجذوب نظام‌های آنان شوند. مثل نظام بانکی، نظام رسانه‌ای، نظام ورزشی، نظام صنعتی و... .

۵- جامعه به صورت طبیعی در عرصه‌های مورد نیاز به نظامات جهان کفر و سکولار نزدیک می‌شود و از آن نظامات استفاده می‌کند.

- ۶- هنگامی که جامعه به نظامات کفر و سکولار نزدیک می‌شود و بهره‌برداری می‌کند، خود به خود آن نظامات را بر عرصه‌های تمدن ساز جامعه خود مسلط می‌کند.
- ۷- با استفاده جوامع اسلامی از نظامات کفر و سکولار، جمعیت انبوهی پیدا می‌شوند که نیازمند به این نظامات هستند.
- ۸- توطئه‌سازی جهان کفر و سکولار برای تسلط هرچه بیشتر نظامات خود بر جهان اسلام مزید بر علت می‌شود. آنها توطئه‌های زیادی می‌کنند که این احساس نیاز طبیعی را صدچندان کنند و نظامات خود را سریعتر و بیشتر مسلط کنند. برای این کار تبلیغات لازم و جاسوسی‌های لازم را انجام می‌دهند. با مسئولین خودباخته غربی ارتباط می‌گیرند و... .
- ۹- غربزدگی و خودباختگی مسئولین سیاست باز در برابر نظامات جهان کفر و سکولار یا به دلیل نیاز به آن نظامات است، یا به دلیل احساس حقارت در برابر عظمت غرب است.
- ۱۰- انبوهی از جمعیت در داخل کشور ایجاد شده‌اند که علاوه بر نیاز، ارادت هم به نظامات غربی دارند. اینها توسط غرب زده‌ها مدیریت و رهبری می‌شوند.
۱۱. تربیت نخبگان توسط نظامات غربی ایجاد شده در دانشگاه‌ها.
- ۱۲- مدیریت به دست نخبگان تربیت شده توسط نظامات غربی می‌افتد.
- ۱۳- پیدایش جمعیت معتقد و ارادتمند به اندیشه‌های جهان کفر و سکولار.
- ۱۴- پدید آمدن شکاف و فاصله بین نظام اعتقادی و توحیدی با نظام‌های حاکم بر عرصه‌های تمدن ساز.
- ۱۵- پدید آمدن تقابل بین اعضای خانواده. مادر یک چشمی رو می‌گیرد، اما دخترش بدحجاب است. پدر آیت الله و مبارز است اما پسرش ضدانقلاب می‌شود.
- ۱۶- پدید آمدن تقابل بین جمعیت طرفدار نظامات سکولار یا نیازمند به نظامات غربی در برابر جمعیت طرفدار نظام اعتقادی و توحیدی اسلام.
- ۱۷- پدید آمدن رهبری و مدیریت دوگانه در جهان اسلام بین مدیریت عرصه‌های تمدن ساز با عنوان جمهوری و دولت، و مدیریت نظام توحیدی با عنوان اسلامی و رهبری.
- ۱۸- به هر اندازه که جهان اسلام از نظامات تمدن ساز توحیدی خالی شود به همان اندازه نظامات کفر و سکولار مسلط می‌شوند و هر چقدر تسلط نظامات کفر بیشتر باشد، نظامات توحیدی ضعیف‌تر می‌شوند.
- ۱۹- حاصل عناوین بالا اینگونه است که، نظام جمهوری اسلامی مانند زیارتگاه و امامزاده‌ای می‌شود که گرچه مقدس و قابل احترام و تکریم است، ولی فقط در مراسم مذهبی از آن تجلیل می‌شود. اما مدیریت نظامات تمدن ساز به عهده غرب گذاشته می‌شود. این یعنی جدایی دین از سیاست و پیروزی اسلام آمریکایی (مثل عربستان و اردن و قطر و اندونزی و مالزی)...

### 📖 گزارش جلسه بیست و هشتم دوره نظام‌شناسی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۳/۰۸

**صابره: گزارش جلسه ۲۸ نظام‌شناسی / استاد زاهدی: معرفی ۱۰ نظام اسلامی و بومی در جمهوری اسلامی که دشمن به آنها مسلط نشده است مثل نظام سیاسی، دفاعی، عبادی، فقهی و... / طراحی نظامات بومی و اسلامی موجب تقویت فونداسیون و استواری جمهوری اسلامی خواهد شد / دشمن نظاماتی دارد که از دوست دشمن ساخته و از داخل یارکشی کرده و علیه انقلاب نیرو می‌سازد / شروع مبحث معرفی نظام رسانه**

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی صابره، جلسه ۲۸ دوره آموزشی "نظام‌شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۸ خرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «معرفی نظامات اسلامی و بومی فعلی» و «شروع مبحث معرفی نظام رسانه» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می‌شود:

**\* معرفی ۱۰ نظام اسلامی و بومی در جمهوری اسلامی که دشمن به آنها مسلط نشده است**

- با توجه به موارد مطرح شده در جلسه قبل مبنی بر تسلط دشمن با نظام‌های خود در عرصه‌های مختلف جهان اسلام، لازم به توضیح است که دشمن بر خیلی از نظامات مسلط شده اما در همه نظامات مسلط نشده است، چرا که اگر مسلط می‌شد، ما نابود شده بودیم.
- نظام جمهوری اسلامی برخی از عرصه‌ها را با نظام‌دهی خود سازماندهی کرده و نظام لازم را طراحی کرده و پر قدرت دفاع می‌کند. این نظامات عبارتند از:

## ۱. نظام سیاسی:

نظام سیاسی جمهوری اسلامی نظام خاص خودش است که شامل قانون اساسی و مجلس خبرگان و شورای نگهبان و ولایت فقیه است. همه دنیا مجلس و قوه قضاییه دارد ولی هیچ کجا قانون اساسی مبتنی بر نظرات ناب اسلام و قرآن ندارد. هیچ کجا ولایت فقیه ندارد. با همین نظام است که علمدار انقلاب تاکنون توانسته مقاومت و دفاع کرده و دشمن را از پیروزی عقب انداخته است. نظام سیاسی نمی‌گذارد خائنین به اهدافشان برسند. بر طبق نظام سیاسی، ولی فقیه اختیار تام دارد که حتی مجلس را تعطیل کند یا ریس جمهور را برکنار کند.

## ۲. نظام دفاعی:

نظام دفاعی شامل ارتش و سپاه است. رهبر انقلاب فرمانده کل قوا است. اگر ما نظام دفاعی نداشتیم خائنین و منافقین یک شبه کشور را دست دشمن می‌دادند. ولی این قدرت موشکی ما باعث شده تا گزینه‌های روی میز آمریکا به درد خودش بخورد و خریداری نداشته باشد. ما موشک دوربرد و بالستیک داریم و اسرائیل را می‌توانیم نابود کنیم و دشمن از همین می‌ترسد.

## ۳. نظام امنیتی و انتظامی:

نظام امنیتی و انتظامی قوی ما باعث شده تا منافقین و تروریست‌ها نتوانند هر گوشه کشور را به محل توطئه و انفجار تبدیل کنند. این نظام هم در اختیار علمدار انقلاب است.

## ۴. نظام سایبری:

ارتش سایبری ما به شدت در حال جنگ است. غرب می‌تواند با توان سایبری خود تمام اطلاعات صنعتی، ثبتي، بانکی، هسته‌ای، راداری و... ما را نابود کند. اما یک لشکر در حال مبارزه است. ارتش سایبری مراقب است و نمی‌گذارد دشمن به ما صدمه‌ای برساند. تمام پرونده‌های کشور کامپیوتری است و اگر ارتش سایبری فعال نباشد یک روزه همه چیز نابود و هک می‌شود. بانک‌ها متلاشی می‌شوند، اسناد ثبتي و اسناد وزارت‌خانه‌ها متلاشی می‌شوند. دشمنان اگر می‌توانستند صبر نمی‌کردند و انجام می‌دادند، اما نمی‌توانند.

## ۵. نظام فقهی و حوزوی:

این نظام شبکه‌ای فقهی عظیم است که تمام حوزه‌های علمیه کشور را اداره می‌کند. مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه، روحانیت، منبر و محراب و مساجد از زیرمجموعه‌های نظام فقهی و حوزوی هستند.

## ۶. نظام عبادی:

شامل زیارتگاه‌ها، نمازهای جماعت، احکام، حج، امام رضا (ع)، ایام الله، عاشورا، هیأت‌های مذهبی و... . نظام عبادی ما در دست دشمن نیست.

## ۷. نظام ولایی:

نظام ولایی غیر از نظام سیاسی است و علاوه بر آن است. جمعیت انبوهی از مردم هستند که نبضشان با فرمان رهبرشان می‌زند و منتظر فرمان رهبرشان هستند. ۹ دی‌ها را می‌آفرینند. با اشاره رهبری، ۲۳ تیر ۷۸ را رقم می‌زنند و... .

## ۸. نظام تبلیغات اسلامی و مذهبی:

شامل تبلیغات اسلامی از طریق منبرها، مداحی‌ها، هیأت‌های مذهبی و... .

## ۹. نظام تبلیغات اجتماعی:

ائمه جمعه جزء این نظام هستند. در نماز جمعه مسائل ملی، محلی و منطقه‌ای مطرح می‌شود. این نظام اجازه نمی‌دهد تا ماهواره همه چیز را تمام کند.

## ۱۰. نظام تبلیغات رسانه‌ای:

صدا و سیمای جمهوری اسلامی، چند روزنامه و سایت خبری. گرچه نظام رسانه‌ای غرب بر جهان تسلط کامل و صددرصدی دارد تا جایی که با غوغاهای رسانه‌ای گوش جهان را کر کرده و با عملیات روانی خود روز را شب جلوه می‌دهد، اما همین رسانه‌های محدود ما (چند روزنامه و سایت خبری) در سطح داخل اثرگذار هستند. هر چند که شبکه‌های بین‌المللی ما مثل العالم، پرس تی وی و... را مورد محدودیت و سانسور قرار می‌دهند.

بنابراین ما نظاماتی داریم که با قدرت، جمهوری اسلامی را حفظ کرده و دشمن هنوز نتوانسته بر آنها مسلط شود. اینکه می‌گوییم آنها بر نظامات ما مسلط شده‌اند بدین معنی نیست که همه چیز را در دست گرفته‌اند. این نظامات اکنون در دست اسلام است و اسلامی است و از اسلام دفاع می‌کنند. در نظام موشکی و دفاعی ما، استادان، طراحان و کارخانجات آن اسلامی است. اگر دشمن بر همه نظامات ما مسلط بود، ما را نابود کرده بود. نظام سیاسی، نظام دفاعی و نظام امنیتی و انتظامی در اختیار رهبر است و رهبر با همین نظامات محدود بومی و اسلامی کشور را اداره



می‌کند. البته غیر از نظامات فوق، نظام‌های دیگری هم داریم که بومی و اسلامی است که دانش پژوهان محترم این نظامات را شناسایی و معرفی نمایند.

### \* فرهنگ اسلامی مبنای نظام است اما خود نظام نیست

– فرهنگ اسلامی هم داریم که مبنای نظام است اما خود نظام نیست. یعنی در دل‌های مردم است. اینها با اینکه نظام نیست اما خیلی تاثیرگذار است. مانند:

فرهنگ مهمان‌دوستی، فرهنگ ارادت به روحانیت، فرهنگ عبادی، فرهنگ سخاوت، فرهنگ ترحم به زیردستان، فرهنگ عاشورا، فرهنگ برادری، فرهنگ عفاف و حیا (با تمام بی‌عفتی‌های موجود همین فرهنگ عفاف و حیای در خانواده‌هاست که ما را نگه داشته)، فرهنگ تقلید از مراجع، فرهنگ قرآن، فرهنگ روضه، فرهنگ ۲۲ بهمن، فرهنگ صدقه، فرهنگ صلح رحم، فرهنگ عیادت و ترحیم، فرهنگ قرض‌الحسنه، فرهنگ منبر، فرهنگ مداحی، فرهنگ هیأت‌های مذهبی و توسل، فرهنگ حج و زیارت، فرهنگ شهادت و جهاد، فرهنگ خانواده، فرهنگ انس و الفت و... .

### \* طراحی نظامات بومی و اسلامی موجب تقویت فونداسیون و استواری جمهوری اسلامی خواهد شد

بحث اصلی این است که ببینیم نظامات غربی چگونه نفوذ کردند و چگونه تسلط پیدا کردند و چقدر تسلط پیدا کردند. برای داشتن ارزیابی درست، باید بفهمیم که دشمن تا چه میزان بر نظام جمهوری اسلامی و نظامات جهان اسلام مسلط شده است؟ از سوی دیگر باید بررسی کنیم که اسلام چه نظاماتی دارد و چگونه می‌توانیم در برابر نظامات غربی، نظام بومی و اسلامی طراحی و تدوین کرده و به اجرا بگذاریم. نظام‌هایی طراحی کنیم تا فونداسیون جمهوری اسلامی را محکم و تقویت کرده و جمهوری اسلامی را استوار نگه دارد و در اختیار رهبر معظم انقلاب قرار دهیم تا ایشان از کمبود نظام‌های بومی و اسلامی رنج نبرد.

### \* نظام آموزش و پرورش و دانشگاهی ما با عملکرد ضعیف خود، موجب دشمن‌سازی و نیروگیری نظامات غربی می‌شوند

نتیجه بحث: درست است که دشمن با نظامات کفر و سکولار خود بر جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی تسلط یافته، اما اینگونه نیست که هیچ ساز و کاری برای مقابله با آن نداشته باشیم. یک سری نظاماتی داریم که برخی قوی و قدرتمند عمل می‌کنند مثل نظام سیاسی و دفاعی و برخی نظامات داریم که کم‌رنگ‌تر عمل می‌کنند مثل نظام آموزش و پرورش که مدیران و معلم‌های مذهبی دارد، مطالب کتاب‌ها تا حدودی اسلامی است و رنگ و بویی از فرهنگ اسلامی دارد، امور تربیتی و مطالبی از این دست دارد. یا در دانشگاه نهاد رهبری داریم. اما اصل نظام آموزش و پرورش و دانشگاه دست نظامات غربی است. این نظامات نیم‌بند است و هر اندازه نظام آموزشی غربی مسلط‌تر شود نظام آموزشی اسلامی ضعیف می‌شود و دشمن راحت‌تر می‌تواند نیروسازی کند و در مقابل، هر اندازه نظام اسلامی قوی‌تر شود آنها ضعیف می‌شوند و نمی‌توانند از داخل کشور، دشمن‌سازی و نیروسازی کنند.

### \* دشمن نظاماتی دارد که از دوست دشمن ساخته و از داخل یارکشی کرده و علیه انقلاب نیرو می‌سازد

دشمن نظاماتی دارد که از دوست دشمن می‌سازد. از داخل یارکشی می‌کند و علیه انقلاب نیرو می‌سازد. همین نظامات، دشمنان و خائنین اسلام و انقلاب را پرورش داده است. اینها را که از خارج وارد نکرده‌اند. همه خودی بودند و روزی برای انقلاب رنج‌ها و زندان‌ها را تحمل کرده بودند. دشمن نظامی ساخت که هر کس در این نظام بیفتد کم کم منحرف می‌شود و علیه جمهوری اسلامی و رهبر پرچم بلند می‌کند. حالا فرقی ندارد که فرزند چه کسی است و در چه خانواده‌ای بزرگ شده است. چرا که انقلابی بودن امری ژنتیکی نیست که فرزندان و نوادگان علما و افراد صاحب نام عیناً همانند آنها باشند. کما اینکه فرزند حضرت نوح(ع) که پیامبر اولوالعزم بود، فرزند امام صادق(ع)، عموی امام زمان(عج) (جعفر کذاب)، برخی از نوه‌های حضرت علی(ع) و... بر خلاف رویه سلف صالح خود عمل کردند. هر کس باید به فکر خودش باشد: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴) هیچ کس به داد دیگری نمی‌رسد. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ» (تحریم: ۶)

### \* شروع مبحث معرفی نظام رسانه

– باید ببینیم اولاً نظام رسانه چه نظامی است؟ ثانیاً چگونه از جانب غرب نفوذ پیدا کرده؟ و ثالثاً به چه میزان بر کشور ما مسلط شده و آثارش تا کجاست؟ ما باید در مقابلش چه کنیم؟ چگونه نظام معادل تاسیس کنیم تا بتوانیم به جنگش برویم؟

– ما باید برای هر نظامی که غرب طراحی کرده نظام معادلش را داشته باشیم، مگر اینکه آن نظام غربی ناکارآمد باشد. اگر ناکارآمد باشد نیازی به طراحی نظام معادل نداریم چرا که قدرتی ندارد. اما اگر به گونه‌ای طراحی شده باشد که راحت بر امواج اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها و ذهن‌ها مسلط شود و نفوذ پیدا کند، ما باید آن نظام را از قبل داشته باشیم یا سریعاً آن را بسازیم. در هر عرصه‌ای که نیاز جامعه بوده و ما تلاش نکردیم و نظام لازم را نساختیم، نظام غربی مسلط شده و می‌شود.

۱. نظام رسانه‌ای مکتوب و روزانه:

جهان اسلام زمانی نیازمند به نظام رسانه‌ای مکتوب و در عین حال روزانه داشت تا عموم مردم درباره اخبار جامعه خود به صورت هماهنگ و به روز مطلع شوند و اخبار آنان و آگاهی‌های آنان مستند بر متن مکتوب و اخبار ثبت شده باشد تا از شایعات که همچون طوفانی خاطر مردم را پربشان می‌کرد و می‌کند، رها شوند و به دلیل نقص آگاهی، دچار چند دستگی نشوند و متحد بمانند و حرکت جامعه در هر روز به سمت اهداف اسلامی جهت پیدا کند. این نظام رسانه‌ای مکتوب و روزانه، روزنامه نام گرفت.

آن زمان جامعه نیاز داشت. اما هیأت حاکمه (قاجار) و خوشگذارانانی که دچار خواب غفلت شده بودند، تلاش نکردند و وقتی سید جمال الدین اسدآبادی در خارج از ایران روزنامه تأسیس کرد، علمای ناآگاه آن دوران با نجس دانستن روزنامه جلوی پیشرفت آن را گرفتند و سید جمال الدین را به عنوان روشنفکری معرفی کردند که به تعهدات حوزوی متعهد نیست. در چنین شرایطی روزنامه دست غریزدگان و سیاست‌بازان داخلی یا سودجویان و پول‌پرستان افتاد. چرا که آنها متوجه شدند اگر روزنامه چاپ کنند مردم خواهان آن هستند و می‌خرند و اینها به سود کلان می‌رسند که همینطور هم شد. در نتیجه سنگ اول بنای نظام رسانه‌ای از اول درست گذاشته نشد و یک روزنامه اسلامی مفید نداشتیم و روزنامه‌ها توسط حکومت یا سودجویان اشاره می‌شد. این روزنامه‌ها هم نظامات سکولار را توجیه می‌کرد هم خوشگذارانی‌ها و اختلاس‌ها و سرقت‌ها و غارت اموال بیت‌المال را توجیه می‌کرد. علما روزنامه را قبول نداشتند و این اعتقاد تا قبل از انقلاب هم رایج بود اما آنها نمی‌دانستند که اصل روزنامه بد نیست، مشکل این بود که ما روزنامه اسلامی چاپ نکردیم. لذا روزنامه‌های موجود جز اینکه ما را به سمت نظام دشمن هدایت کند و اطلاعات دشمن را بر ما مسلط کند، چیز دیگری نیست و اینگونه نظام رسانه‌ای مکتوب از روز اول به دست دشمن افتاد.

۲. نظام رسانه‌ای هفتگی و ماهانه و سالانه تخصصی:

جهان اسلام نیاز به نظام رسانه‌ای هفتگی و ماهانه و سالانه تخصصی در سیاست، صنعت، بهداشت، تجارت، فرهنگ، هنر، مسایل اجتماعی، تفکر و اعتقادات و فلسفه و اندیشه، مشاغل، حرفه‌ها، صنوف و در عرصه‌های مختلف داشت. نظام اسلامی، یک نظام رسانه‌ای هفتگی و ماهانه تخصصی مکتوب نداشت، در نتیجه غریزدگان و سیاست‌بازان داخلی و یا سودجویان با بهره‌گیری از نظام رسانه‌ای سکولار، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها و سالنامه‌ها و مجلات تخصصی را تأسیس کردند و بر ما مسلط شدند.

۳. نظام رسانه‌ای شنیداری و تبلیغاتی:

جهان اسلام به نظام رسانه‌ای شنیداری و تبلیغاتی نیاز داشت که در هر لحظه وسیله بیداری مردم جهت توسعه آگاهی‌ها و آشنا کردن مردم با حقایق امور باشد و منعکس کننده فرهنگ و آداب و اطلاعات صحیح و اخبار مستند و منعکس کننده اندیشه‌های اسلامی و نیازها و پیشرفت‌های اسلامی و یا مشکلات اسلامی و اجتماعی باشد و توطئه دشمن را برای جامعه به موقع تشریح نماید. اسم این نظام، رادیو بود. حالا که نظام اسلامی رادیو را در دست نگرفت یا غریزدگان یا سیاست‌بازان یا طالبان قدرت داخلی در هماهنگی با اهداف دشمن، رادیو را تأسیس کردند. لذا جهت‌گیری رادیو به سمت نجات جامعه اسلامی نرفت بلکه هدف آن ترویج موسیقی، آوازه‌خوانی، ابتذال، ترانه‌ها، خواننده‌های بی‌تعهد و مبتذل زن و مرد، نمایشنامه‌های غربی و پلیسی و شهوانی، مطالب بی‌ارزش یا کم ارزش و اطلاعات غلط یا منحرف کننده شد. هدف رادیو توجیه ملت نسبت به انحرافات و خیانت‌های نظام حاکم بود. اهداف رادیو به سمت آگاه کردن مردم و توسعه افق آگاهی‌ها و آشنا کردن مردم با حقایق امور نبود.

علمای آن دوران هر کس را که رادیو داشت طرد می‌کردند اما به فکر نیفتادند که رادیوی اسلامی را که نیاز جوامع اسلامی است، تأسیس کنند.

۴. نظام رسانه‌ای سریع و دوطرفه و بین فردی

جهان اسلام نیاز به نظام رسانه‌ای سریع، دوطرفه و متقابل بین شهری و درون شهری و ارتباط بین فردی دو طرفه داشت تا اطلاعات دوطرفه بین نهادهای درون شهری و بین شهرهای مختلف، اطلاعات بین فردی دوطرفه و ارتباطات مردم برقرار شود. نام این نظام رسانه‌ای تلگراف و تلفن بود. جهان اسلام چنین نظامی را تأسیس نکرد. چون نهادهای لازم اسلامی این کار را نکردند این هم دست دشمن افتاد. دشمن از این نظام در جهت تسلط بر اخبار و اطلاعات جامعه و نیز در جهت تسریع ارسال اطلاعات در دستگاه خود استفاده کرد.

۵. نظام رسانه‌ای تبلیغاتی و خبری و تصویری

جهان اسلام نیاز به نظام رسانه‌ای تبلیغاتی و خبری و تصویری و دیداری با اخبار آگاهی بخش داشت تا اطلاعات و آگاهی‌ها را به روز و به ساعت با تصاویر مربوطه در جامعه منعکس نماید. نام این نظام، تلویزیون است. در حالیکه الازهر در مصر و واتیکان برای خودشان شبکه تلویزیونی داشتند، به جای اینکه تلویزیون اسلامی راه اندازی کنیم، تلویزیون توسط متدینین ما طرد شد. اخبار ان نجس اعلام شد و اخبار آگاهی بخش برای آن تولید نکردیم. دشمن نظاماتش را ساخت و به تمدن رسید و ما هم باید نظامات خود را بسازیم تا به تمدن سازی برسیم.

**صابره: گزارش جلسه ۲۹ نظام شناسی / استاد زاهدی: گناه بزرگ تغییر دیدگاه از نظام قرآنی به سمت نظامات کفر و سکولار، عامل تأخیر ظهور است / در حال حاضر نظام رسانه در نظام جاسوسی و نظام خبرسازی و نظام شایعه پراکنی و نظام کنترل اطلاعات و... خلاصه می شود / مبانی رسانه غربی و رسانه اسلامی در قرآن کریم**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۲۹ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۲۲ خرداد ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه که در آستانه ولادت با سعادت حضرت ولی عصر (عج) برگزار گردید، استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «ظهور امام زمان (عج)» و «ادامه مبحث نظام رسانه» پرداختند. در ادامه رئیس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

**\* گناه بزرگ تغییر دیدگاه از نظام قرآنی به سمت نظامات کفر و سکولار، عامل تأخیر ظهور است**

- به مناسبت میلاد ولی الله الاعظم حضرت صاحب الزمان (عج) بحث ظهور راعرض می کنیم. در تأخیر ظهور دو مانع مشهود وجود دارد که یکی گناهان ماست و دیگری عدم تمهید مقدمات ظهور. درحالیکه مانع دوم حاصل مانع اول نیست. ظهور دفعی نیست. اینکه آقا تشریف می آورند و همه کاستیها از بین می رود! اینگونه نیست... .

در زمان حضور حضرت چون اهل مسامحه نیستند کار برای مومنین بسیار سخت تر است. ایشان همه چیز را با روح قرآن تطبیق می دهند. در حیات ظاهری معصومین علیهم السلام کسی نبود که خلاف دین خدا عمل کند و مقرب هم باشد. فکر می کنید چرا حضرت زهرا (س) غریب افتادند و قداستش را شکستند؟ چون دختر بنیان گذار اصلی قرآن با انحراف برخورد می کرد، بدون هیچ تسامحی. حتی در مورد زنان پیامبر (ص) استثنائی در کار نبود. الحق مع علی وعلی مع الحق... . همه با حضرت دشمن شدند. حتی اقوام حضرت مثل زبیر که پسرعمویش بود. چون همه از عدالت و عدم تسامح حضرت زخمی بودند. در زمان خود پیامبر اکرم آنقدر شکایت از برخوردهای عدالت محور حضرت امیرالمومنین (ع) به پیامبر (ص) کردند که پیامبر فریاد کشیدند: علی مع الحق... . تکرار این گونه دشمنی ها در زمان ما از ناحیه یارغارهای حضرت امام راحل (ره) یک مشکل بزرگ بر سر راه ظهور است. نه فقط از ناحیه گناهان فردی، چون گناهان فردی قابل توبه و اصلاح است. آن گناه بزرگ تغییر دیدگاه از نظام قرآنی به سمت نظامات کفر و سکولار است. این گناه عامل تأخیر ظهور است.

- حضرت وقتی تشریف می آورند، قرار است جهان را بعد از آنکه پر شده از «ظلم و جورا»، «یملأ الارض قسطا و عدلا» کنند. مقسط به چه کسی می گویند؟ قسط سخت تر از عدل است. مقسط، کسی است که از روش حکیمانه، عدالت را استخراج کند. در ظهور مولایمان (ظاهر کردن امر خدا)، ... یجعل له نورا یمشی به فی الارض... یعنی حکیمانه مدیریت می کنند. آیا حکیمانه مدیریت کردن و مقسط عمل کردن نظام نمی خواهد؟

- حضرت زهرا (س) به حضرت مهدی (عج) پناه می برد. حضرت زهرایی که حجت الله علی المعصومین است. پس ما چرا کلید حل مشکلاتمان را در دست شیطان بزرگ می بینیم؟ می گویند مردم را به زور نمی شود به بهشت فرستاد! پس یعنی به جهنم راهنمایی کنیم! جلوی مواد مخدر را هم نگیریم؟! این سخنان درست عکس هدف مولایمان حضرت حجت روحی فدا می باشد. در واقع این رویکرد به نظامات غربی گناه عظیمی است که ظهور امیدمان را به تأخیر می اندازد. فاصله گرفتن و تلاش نکردن برای استخراج نظامات قرآنی گناه نابخشودنی است در حق عدم تحقق ظهور!

- هر کس در هر موقعیتی و هر سنگری باشد، اگر به دنبال استخراج نظامات قرآنی و اجرای آنها نرود، بی بصیرت می شود و کجروی و انحراف نتیجه گریز ناپذیر آن است.

**\* در حال حاضر نظام رسانه در نظام جاسوسی و نظام خبرسازی و نظام شایعه پراکنی و نظام کنترل اطلاعات و... خلاصه می شود**

- فقط نظام خاص قرآن است که توان تربیت و مصونیت از هجمه شیطان را دارد. سیر هجوم شیاطین به دلیل نزدیکی به ظهور شدیدتر شده است و یکی از آن لشکرهای عظیم، نظام رسانه است.

- ما معمولاً رسانه را در اطلاع رسانی و رساندن خبر معنا می کنیم، در حالی که اکنون نظام رسانه در ۱- نظام جاسوسی ۲- نظام خبرپراکنی ۳- نظام خبر سازی ۴- نظام شایعه پراکنی ۵- نظام توزیع خبر ۶- نظام سانسور ۷- نظام شایعه سازی ۸- فضا سازی ۹- نظام کنترل اطلاعات ۱۰- نظام کنترل اذهان و افکار عمومی و... خلاصه می شود. زمانی که به رسانه فقط رساندن خبر می گفتند گذشته و تمام شده است.

- اکنون رسانه یعنی: ۱- نظام جمع آوری اطلاعات ۲- نظام مدیریت تولید خبر ۳- نظام توزیع خبر ۴- نظام دریافت اخبار ۵- نظام جوسازی و فضا سازی ۶- نظام نفوذ برای بهم زدن هر نوع تصمیم جمعی و مشورتی ۷- نظام دیپلماسی.

- مفهوم سنتی رسانه ۴۰ سال پیش تمام شده بود، اما متأسفانه در مراکز رسمی و پژوهشی دانشگاهی ما (که در پازل ترجمه حرکت می کنند) هنوز در تعریف علم رسانه و نظام رسانه، به نظرات غربی ها استناد می کنند. رسانه ده معنی دارد. لشکر دارد، سپاه دارد، چاپ و راست دارد، مرکز دارد، مدیریت و هدایت و برنامه ریزی دارد، جاسوسی دارد، ارتش سایبری دارد.

۱- نظام مدیریت توزیع اخبار: با شایعات مردم را فریب می دهند. با نظام مدیریت توزیع اخبار، ۹۷ درصد اخبار از آمریکا صادر می شود.

۲- نظام جمع آوری و دریافت اخبار: در روستاهای ما اخبار ما زودتر از خودمان، به دست دشمنان ما می رسد.

۳- مدیریت شایعات و جنگ روانی با آنها است. شایعات گرانی اواخر دوره قبل یادتان است؟ اما اکنون گرانی سه برابر شده ولی چیزی نمی گویند. هر کار صالحی را خراب و هر کار خرابی را خوب جلوه دادند. اینها مال مدیریت شایعات است.

۴- نظام نفوذ برای شکستن تصمیمات مهم: آمریکا ده سال موبایل آنجلا مرکل آلمانی را شنود می کرد. با سیستم رسانه فرهنگ سازی می کنند. در دیپلماسی با رسانه سیستم دیپلماسی درست می کنند.

- در رسانه ۱۲ نظام غربی وجود دارد که باید بررسی شود. جهان غرب با کل نظام رسانه می تواند کشورها را زیر و رو کنند. یک فرد گمراه را رئیس جمهور کنند. پایین بیاورند و یا بالا ببرند.

### \* مبانی رسانه غربی در قرآن کریم

۱- اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ... مبانی رسانه در سوره ناس است. آیا این را می دانستید؟

۲- «يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ ... فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ» (بقره: ۱۰۲)

۳- «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ» (اعراف: ۲۷)

۴- «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ... وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (فلق: ۱-۴)

۵- «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (نور: ۱۹)

۶- توسط سحر جاسوسی می کنند. ما هنوز در عالم گذشته هستیم. سحر قلب واقعیت است. کار رسانه های غربی هم همین است. چرا هنوز دنبال جادو جنبل قدیم هستند؟! اینها همان کار سحر را با رسانه دارند انجام می دهند و مردم را دچار اشتباه و خطا کرده و فریب می دهند. آخوند و رئیس جمهور و دانشگاهی و کاندیدا و مجلسی و... اگر اینها را نفهمد، نمی تواند نظام غربی را حذف و دفع کند، بلکه خواسته یا ناخواسته خودش هم در پازل آنها بازی می کند.

### \* مبانی رسانه اسلامی در قرآن کریم

۱- «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق: ۱۸)

۲- کراما کاتبین يعلمون ما تفعلون «کراماً کاتبین» \*يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ» (انفطار: ۱۱-۱۲)...

## 📖 گزارش هشتمین همایش بسوی راهبردهای قرآنی، تاریخ درج در سایت صابره: ۹۳/۰۳/۲۹

**صابره:** گزارش هشتمین همایش "بسوی راهبردهای قرآنی در مدیریت و تربیت اسلامی" / **استاد زاهدی:** دو پرچمی که در مؤسسه صابره (س) بلند شده است: پرچم تعلیم و تربیت قرآنی و پرچم نظام شناسی / سرخ همه مشکلات فرهنگی ما در تعلیم و تربیت نهفته است / نظام بانکی در تورم، بی حجابی، مصرف گرایی و سرمایه سالاری، به عنوان قوی ترین بازوی سیاسی غرب غوغا می کند / **آیت الله میرباقری:** تعلیم و تربیت رسمی و اقتصاد رسمی در کشور به شدت تحت تأثیر فرهنگ غرب است / علم دینی، علمی است که مکتب و دستاوردهای استنباطی از دین در روش تحقیقش جانمایی شده / ما در دستیابی به علوم تربیتی اسلام در قدم اول نیازمند به استنباط مکتب تربیتی اسلام از متون دینی هستیم

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، هشتمین همایش "بسوی راهبردهای قرآنی در مدیریت و تربیت اسلامی" با حضور دانش پژوهان دوره تربیت استاد و اعضای انجمن نظام شناسی قرآنی و اساتید محترم و فرهیختگان و علاقمندان اندیشه های اصیل اسلامی، در روز پنجشنبه ۲۹ خرداد ۹۳ از ساعت ۹ تا ۱۳ در کانون تربیتی شهید مفتاح تهران برگزار گردید.

این همایش با تلاوت قرآن توسط حاج جواد صنوبری آغاز شد. سپس کلیبی با موضوع مفاهیم و مبانی موجود در سوره کافرون با نگاه نظام شناسانه پخش شد که در آن توضیحاتی توسط مقام معظم رهبری و استاد زاهدی ارائه شده بود.

در ادامه مقاله ای با عنوان «تقابل نظام تعلیم و تربیت غرب و اسلام در مبحث ذهن و قلب» که توسط خانم مافی تهیه شده بود، به صورت چندرسانه ای ارائه گردید. در ادامه خلاصه ای از این مقاله معرفی می شود:



## ۱- خلاصه مقاله ارائه شده در همایش هشتم با عنوان «تقابل نظام تعلیم و تربیت غرب و اسلام در مبحث ذهن و قلب»

هدف از نوشتن مقاله طرح مشکلات و معضلاتی است که در جامعه امروز دچار آن هستیم و آسیب‌شناسی آنها و ارائه راهبردها و راهکارهای مربوط می‌باشد. سوال تحقیق این است: چرا در وضعیت فعلی جامعه هر چه سطح تحصیلات افراد بالاتر می‌رود و دامنه افرادی که در نظام تعلیم و تربیت آموزش و پرورش قرار می‌گیرند بیشتر می‌شوند، ولیکن سطح دین و ایمان افراد بالاتر نمی‌رود و به جای اینکه هر قدر به میزان معلومات علمی و دینی آنها اضافه می‌شود دیندارتر شوند بالعکس از خدا دورتر می‌شوند. و سوال ما این است که چرا روز به روز افراد به سبک زندگی غربی نزدیک‌تر می‌شوند تا به سبک زندگی اسلامی. در صورتی که در حوزه قرآن و دین این همه کلاس‌ها و موضوعات آموزشی تدریس می‌شود. در این رابطه سری به جراید زدیم و آسیب‌های وارده به اجتماع را از طریق آمار موجود در جراید پیگیری کردیم و همچنین پرسشنامه‌ای تدوین شد و موارد مورد نظر به افراد فرهیخته حوزه و مربیان داده شد و نظرات آنها جمع‌آوری شد و فرضیه ما در تحقیق اثبات شد و در آسیب‌شناسی متوجه شدیم چون نظام ما تحت نظامات غربی است به این همه مصیبت گرفتار شده‌ایم. پیرو این موضوع بررسی روی مبانی معرفتی غربی‌ها داشتیم و به یکی از مباحث انسان‌شناسی در غرب و اسلام پرداخته شد و در مقایسه به وجه قلب و ذهن اشاره شد و نتیجه گرفته شد که روانشناسی غرب، تعلیم و تربیت خویش را بر پایه ذهن قرار داده و به محفوظات کودکان می‌پردازد و قلب را به آن معنا که در روانشناسی اسلامی آمده است، نمی‌شناسد. در اسلام مهمترین عضو قلب انسان است و قلب است که مفاهیم ملکوتی را می‌شناسد. در تعلیم و تربیت فعلی که نشأت گرفته از تعلیم و تربیت غربی است روی قلب کار نمی‌شود. ذهن نیز به عینیت توجه دارد و نسبی‌گرا است و نمی‌تواند مفاهیم عمیق ملکوتی را درک کند. قلب که از جنس ملکوت است، مفاهیم ملکوتی را درک می‌کند و به این جهت که امروز مباحث دینی و قرآن با حافظه و ذهن آموزش داده می‌شود، اینها در حد محفوظات باقی می‌ماند و ادراک سطحی صورت می‌گیرد. در صورتی که فقط قلب می‌تواند به ادراک عمیق برسد... (متن کامل این مقاله، در سایت Sabereh.ir قرار دارد).

## ۲- سخنرانی استاد زاهدی با موضوع تقابل نظامات قرآنی و وحیانی با نظامات سکولار

در ادامه همایش، استاد مرتضی زاهدی مدیر موسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره(س) با موضوع تقابل نظامات قرآنی و وحیانی با نظامات سکولار سخنرانی نمودند. خلاصه‌ای از سخنان استاد زاهدی بدین شرح است:

### \*سرنخ همه مشکلات فرهنگی ما در تعلیم و تربیت نهفته است

- این جلسات باید به مثابه کوه طوری شود که هرکس پیام آن را به دیگران برساند. حضار این جلسه باید پیام را به غایبان برسانند تا جایی که کم‌کم کل جامعه یا حداقل جامعه متدینین ما متوجه شود که باید چه مطالبه‌ای داشته باشند. خود ما هنوز نمی‌دانیم سرنخ کجاست؟ اعتراض می‌کنیم. حتی حوزه‌های محترم هم اعتراض می‌کنند. مثلاً به بی‌حجابی و کم‌کاری دولت‌های مختلف اعتراض می‌کنند، اما سرنخ را نمی‌دانند. نمی‌دانیم مشکل کجاست؟ مشکل انتقاد نیست، مشکل راهکار است. سرنخ همه این‌ها تعلیم و تربیت اسلامی است. این را که از کجا باید شروع کرد تا در نتیجه آن یک تعلیم و تربیت ناب داشته باشیم، هیچ کجا حتی صدا و سیما و سرداران جنگ فرهنگی هم انجام نداده‌اند.

### \*مطالبات اسلامی باید مبدأ و مقصد مشخصی داشته باشد

- باید مطالبات اسلامی را مطالباتی قرار دهیم که سردرگم نباشد و یا به عبارت دیگر تیر در تازیکی نباشد، بلکه باید مبدأ و مقصد مشخصی داشته باشد.

\*ربوبیت ناس طبق آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» یعنی مدیریت حکومت مردم، مدیریت تعلیم و تربیت مردم، مدیریت نظام فرهنگی مردم، مدیریت نظام اقتصادی و سیاسی مردم و...

- با توجه به آیات سوره مبارکه ناس متوجه می‌شویم که تمام اتکای این سوره به «رب» است. «رب» برآمده از ربوبیت است. ربوبیت چیست؟ طبق آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» ما باید به ربوبیت پناه ببریم. ربوبیت به معنای مدیریت است. ربوبیت



ناس یعنی مدیریت مردم، مدیریت حکومت مردم، مدیریت تعلیم و تربیت مردم، مدیریت نظام دفاعی و نیروی دفاعی مردم، مدیریت نظام انتظامی و نظامی مردم، مدیریت نظام فرهنگی مردم، مدیریت نظام اقتصادی و سیاسی مردم، مدیریت نظام ورزشی مردم، مدیریت نظام بهداشتی مردم، مدیریت نظام بانکداری مردم، مدیریت نظام هنری مردم، مدیریت نظام معیشت مردم، مدیریت نظام ورزشی مردم.



– آنچه همه علما در مورد ربوبیت بر آن اتفاق دارند، معنای پرورش دادن است. برخی هم به معنای ادب و تربیت اخلاق الهی گرفته‌اند. اما عموماً آن را به عنوان یک حرکت استکمالی و تکوینی معنی کرده‌اند. ربوبیت یعنی تمام جوانبی که حیات انسان را اداره کند. اتفاقاً در جهت حیات زیستی که این حیات زیستی همان است که از آن به مزرعه آخرت یاد شده و مقدمه حیات اخروی است. در این سوره به ابعاد خالقیت و نورانی و عالمیت خدا اشاره ندارد بلکه می‌فرماید به ربوبیت خدا پناه ببرید یعنی به آنچه حیات زیستی انسان را هدایت می‌کند، پناه ببرید، چراکه حضرت حق عنایت دارد و برای آن برنامه دارد.

– چرا می‌گویند به ربوبیت خدا پناه ببرید؟ زیرا ربوبیت، پرستاری است. ما می‌خواهیم به برنامه‌هایی که حضرت حق قرار است طبق آن ما را پرستاری کند و این برنامه‌ها را از طریق قرآن و پیامبر(ص) به ما ابلاغ فرموده و ائمه را قرآن ناطق و مجری این نظامات و راهنمای ما قرار داده، پناه ببریم.

– سوره ناس در جمهوری اسلامی به عنوان سوره‌ای شناخته می‌شود که بچه‌ها باید آن را حفظ کنند، نه اینکه برنامه‌ای برای زندگی باشد. بنابراین باید رب‌الناس را از نظامات غربی بگیریم و ربوبیت غرب را برای خودمان بیاوریم و ببینیم در بانکداری، تعلیم و تربیت، دانشگاه، هنر، حقوق، رسانه، اقتصاد و... چه می‌گویند و از آن پیروی کنیم!

**\* «قُلْ» در قرآن که مخاطب آن حضرت محمد(ص) است، به معنای اعلام کردن و اجرا کردن و محقق ساختن و معرفی کردن تئوری و دکترین آن موضوع است**

– «قُلْ» در قرآن، بالاخص مخاطب آن حضرت محمد (ص) است. به معنای اعلام کردن و اجرا کردن و محقق ساختن و معرفی کردن تئوری و دکترین آن موضوع است. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» یعنی باید نظام توحیدی را محقق کرد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند سوره توحید برای اهالی آخرالزمان نازل شده است. این بدان معناست که تمام توجه این سوره در آن است که نظام توحیدی را برقرار کند. «قُلْ» فقط گفتن نیست، نظریه‌پردازی است. تمام آنچه در قرآن با لفظ «قُلْ» آمده نظریه‌پردازی حق تعالی است که طبق آن تئوری و دکترین را در اختیار قرار می‌دهد تا آن نظریه در حیات انسانی محقق شود.

– «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» یعنی نظام توحیدی را اجرا کن و محقق کن. یعنی سیاست، اقتصاد، صنعت، فرهنگ، آموزش و پرورش، هنر، دانشگاه و... به آن سمت برود. اما ما با «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» چه کرده‌ایم؟ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (فرقان: ۳۰) یعنی همین مدارس اسلامی و همین متدینین و روحانیت نظام توحیدی را نفهمیده‌اند و قرآن را مهجور کرده‌اند. ساده‌تر از «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ اعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» چه می‌خواستید؟

– «مَلِكِ النَّاسِ» یعنی کاری کنید که رهبری دست حضرت حق بیفتد. نه اینکه برای هر کاری سراغ غرب برویم. صورت اول و صورت ظاهر آیه متوجه حیات زیستی است. هم «اله» هم «ملک» و هم «رب». باید نظم ربوبی را محقق کنی. همه این سوره در این سه کلمه است: یکی استعاده. باید پناه ببریم یعنی همه زندگی‌مان را به آنجا ببریم. باید نظامات ربوبی را محقق کنیم تا استعاده یعنی پناه بردن محقق شود، در غیر این صورت دروغ و شعار است. همین‌گونه با قرآن بازی کردیم. اکنون در جمهوری اسلامی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ اعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» شناخته نشده است.

**\* اگر مجلس تصویب کند که به مادران دکترای افتخاری دهند و مدرک دهند و حقوق دهند و بازنشستگی و... دهند، مشکل بی‌حجابی رفع می‌شود**

– «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» این آیه هم نظریه‌پردازی است. یعنی پیغمبر ما این نظریه را ببر، اعلام کن، دکترینش را معرفی کن و نظامش را محقق کن تا محکم شود. کافر کسی است که سرکش است و سرپوش می‌گذارد و حق را منزوی می‌کند و سعی‌اش بر آن است تا حرف حق و راه حق را منحرف کند و حرف حق را جور دیگری بیان می‌کند. طبق نص روایات، امام صادق (ع) فرمودند دین ندارند. اصحاب پرسیدند چه کسانی دین ندارند؟ فرمودند کسانی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند. مشخص می‌شود که در میان متدینین هم کافر وجود دارد. این به آن معنا نیست که برویم در خیابان یقه بی‌حجاب‌ها را بگیریم، بلکه باید اصل و نظام بی‌حجابی را درست کرد. اگر مجلس برای مادرانی که بهترین فرزندان را تربیت کرده‌اند، تصویب کند که به آنها دکترای افتخاری دهند و مدرک دهند و حقوق دهند و بازنشستگی و... دهند، دیگر دختران بی‌جهت برای کسب درآمدی اندک و یافتن شغل‌هایی با درآمد بسیار پایین، خود را بزک نمی‌کنند. اکنون تعلیم و تربیت قرآنی روی زمین است. «هَذَا الْقُرْآنُ مَهْجُورٌ».

– «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» بگو ای کسانی که برای قرآن سرپوش می‌گذارید و قرآن را منزوی کرده‌اید و حرف حق را منحرف می‌کنید، ای کسانی که حقایق قرآنی را انکار می‌کنید.

«لا اعبد ما تعبدون» عبادت چیست؟ پرستش به چه معناست؟ عبودیت فقط شامل سجده کردن بر مهر نیست بلکه به معنای اطاعت، برقراری نظام عبودیت، پیروی کردن، اعتقاد داشتن، حرمت گذاشتن، سرسپردن و قبول کردن مدیریت آن است.

«لا اعبد ما تعبدون» راهی که شما می‌روید، برنامه‌هایی که اجرا می‌کنید، نظامی که محقق کرده‌اید و اندیشه‌هایی که فلسفه‌اش را طراحی می‌کنید، من این کارها را نمی‌کنم. من راهی را که شما را به این روزگار کشانده است نمی‌آیم.

- کفار نظامات ما را قبول ندارند و راهی که ما را به بندگی و پرستش حق می‌رساند قبول ندارند. تمام تلاششان این است که سرپوش بگذارند و سکولاریسم را در کشور ما محقق کنند. مکه و کربلا هم می‌روند، اما عملشان اینگونه است. «و لا انتم عابدون ما اعبد» شما راه ما را نمی‌آیید و نظامی را که به حکومت توحید، مدیریت توحید و مدیریت عترت طاهره محمد مصطفی(ص) منجر شود قبول ندارید و نمی‌گذارید ما به راهمان ادامه دهیم.

«و لا انا عابد ما عبدتم» چیزهایی که شما را به این سرکشی و کفر و رذالت و جنایت در کشورهای مختلف و پست فطرتی و سکس و حیوانیت کشانده، من به این راه نمی‌روم.

- سوره کافرون برای بچه‌ها نیست اول شاگرد این دانشگاه پیامبر (ص) است. این یک نظریه‌پردازی است که به رسول خدا (ص) امر شده که این نظام را محقق کند. مقام معظم رهبری فرموده اگر این زیرنظام‌های جمهوری اسلامی را طراحی نکنیم، مشکلات زیادی به وجود می‌آید.

- زیرنظام‌ها طراحی نشده و دشمن با نظام دانشگاهی، ورزشی، هنری، رسانه‌ای، صنعتی، تجاری و نظام‌های مختلف بر ما حکومت می‌کند و علمدار انقلاب با دو یا سه نظام، مدیریت می‌کند و از انقلاب دفاع می‌کند. این نظام‌ها عبارتند از نظام سیاسی(ولایت فقیه)، نظام دفاعی، نظام مساجد و روحانیت معظم و نماز جمعه.

- نظام هنری و نظام بانکی، ولایت فقیه را قبول ندارد. چون نظام بانکی اسلامی نداریم. همین نظام بانکی مثل شمر لعین محاکمه می‌کند و طبق قانون زندگی مردم را به حراج می‌گذارد تا طلبش را بگیرد و همین‌طور طبق قانون میلیاردها تومان با کمترین تضمین وام می‌دهد! مرجع تقلید نظام ورزش، فیفا و المپیک است. مرجع تقلید نظام علمی المپیاد است. مرجع تقلید نظام آموزشی یونیسف است. مرجع تقلید نظام فرهنگی یونسکو است.

**\* نظام بانکی در تورم، بی‌حجابی، مصرف‌گرایی، اسراف و تبذیر و سرمایه‌سالاری، به عنوان قوی‌ترین بازوی سیاسی غرب غوغا می‌کند**

- نظام رسانه، رسانه نیست. شبکه مسلط اطلاعاتی است که از سازمان اطلاعات ما هزاران برابر قوی‌تر عمل می‌کند. از منویات همه باخبر است و آمارهای دقیق دارد. تعداد معلمین، تعداد خانم‌ها، تعداد آقایان، تعداد ارادتمندان به رهبری، تعداد مخالفان رهبر و... را شناسایی می‌کند و با همین‌ها فتنه‌ها را هدایت می‌کند. ما نظام رسانه‌ای قوی نداریم و در برابر نظام رسانه‌ای غرب مثل یک روستایی ضعیف پشت کوه مانده‌ایم. رسانه دیگر خبرگزاری نیست، این برای دویست سال پیش است. اکنون نظام رسانه همه اطلاعات ما را دارد. مثلاً تلویزیونی ساخته‌اند که از همه اعضای



خانواده فیلم می‌گیرد. غرب در حال حاضر با نظام بانکی ما را تحریم کرده است. نظام بانکی ما را اداره می‌کند. نظام بانکی در بی‌حجابی، مصرف‌گرایی، حب‌الدنیا، سرمایه‌سالاری بزرگترین نقش را دارد. امروزه صحبت از سرمایه‌سالاری است نه سرمایه‌داری. آقایی کردن برای پولدارهاست. نظامات بر ما حکومت می‌کند. نظام بانکی در تورم، در بی‌حجابی، در مصرف‌گرایی، در اسراف و تبذیر، در سرمایه‌سالاری، به عنوان قوی‌ترین بازوی سیاسی غرب غوغا می‌کند. با جنگ تحمیلی نتوانستند ما را شکست دهند اما با یک بانکداری ما را کنترل و خوار کردند. چون نظام بانکی اسلامی طراحی و ارائه نکردیم، بنابراین جامعه مجبور است از نظام غربی استفاده کند. برای همین سرمایه داران خارجی از نظام بانکی استفاده می‌کنند و بیت‌المال را خارج می‌کنند. توسط بانک‌ها غارت قانونی دارایی‌های کشور انجام می‌شود و تورم‌های عجیب و غریب درست می‌کنند. نظامات غربی بر ما حکومت می‌کند. اولین و مهمترینش نظام تعلیم و تربیت است.

- «قل یا ایها الکافرون» «لا اعبد ما تعبدون» کدامان به این آیات قرآن عمل می‌کنیم؟ «قل اعوذ برب الناس» کدامان به ربوبیت حق پناه می‌بریم؟

- در موسسه فرهنگی قرآنی یک برنامه نظام‌شناسی قرآنی و تحلیل نظامات غربی و چگونگی نفوذ آنها در کشورمان است. علل بروز بی‌حجابی‌ها، بی‌دینی‌ها، رشوه‌خواری‌ها، رباخواری‌ها چیست؟ چه باید بکنیم؟ بعداً به کجا می‌انجامد؟ اینها در سیستم نظام‌شناسی غربی است که راه حل‌های اسلامی‌اش را طراحی کرده‌ایم. پنجشنبه‌ها برنامه داریم. تاکنون چندین نظام را بررسی کرده‌ایم. اکنون در مبحث نظام رسانه

هستیم. یک برنامه دیگر داریم که نظام تعلیم و تربیت اسلامی است و ۲۰۰ جلسه ثبت شده داریم و دانش‌پژوهان جدیدی که می‌آیند، پیش‌نیازها و مقدماتی را باید بگذرانند و اگر آمادگی لازم را داشتند، وارد فعالیتهای تحقیقاتی موسسه خواهند شد.

### ۳- سخنرانی آیت الله دکتر میرباقری با موضوع نظام تربیتی اسلام

سپس آیت الله دکتر سیدمحمد مهدی میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم، به ایراد سخنرانی پرداختند. خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده توسط ایشان بدین شرح است:

#### \* لزوم وضعیت‌شناسی تعلیم و تربیت برای شناخت تأثیر جریانات تعلیم و تربیت غربی در دنیای اسلام و کشورمان

- در این جلسه به جمع‌بندی کلی از وضعیت علوم تربیتی اسلامی در وضعیت اجتماعی خودمان و تصویرسازی یک مسیر برای آینده اشاره می‌شود تا هم دورنمای حرکت روشن شود و هم به عنوان یک هم‌افزایی بین مجموعه فعالیت‌های متنوع و ارزشمندی که در این حوزه در جامعه ما وجود دارد و حاصل دغدغه‌مندی‌ها نسبت به مباحث تربیتی اسلام است به انجام برسد.

- تلقی حقیر این است که نیاز داریم نقش جریانات اجتماعی را در واقعیت عینی وضعیت تعلیم و تربیت در کشور خودمان پیگیری کنیم به خصوص در دو سده اخیر. تعامل بین دنیای غرب اصولاً غرب فرهنگی است با دنیای اسلام. کشور ما وارد یک عرصه جدیدی شده و فرهنگ غرب و به تعبیر دیگر هژمونی این فرهنگ دنیای اسلام را و به تعبیر دقیق‌تر دنیای مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده است و همه نظامات اجتماعی ما از جمله نظام تعلیم و تربیت ما دچار یک تحول جدی شده و به شدت تحت تأثیر فرهنگ جهانی است. باید در این زمینه تحقیق شود. متون علمی خوبی کار شده، تهیه شده و تدوین شده ولی باز هم نیاز به کارهای جدی‌تری وجود دارد و مهم‌تر از آن نیاز به فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی در این زمینه و



اطلاع‌رسانی وسیع است. واقعاً کسانی که از آغاز زندگی تا پایان، تحت تأثیر جریانات تعلیم و تربیت غربی در دنیای اسلام و در کشور خودمان هستند از ماهیت این جریان بی‌خبرند و واقعیتی که بر متن زندگی آنها می‌گذرد نمی‌دانند. بنابراین در مرحله اول چنین کاری برای وضعیت‌شناسی تعلیم و تربیت در کشور ما باید انجام بگیرد. این یک نکته.

#### \* تعلیم و تربیت رسمی و اقتصاد رسمی در کشور به شدت تحت تأثیر فرهنگ غرب است

نکته دوم این است که غیر از واقعیت عینی جریان تعلیم و تربیت در کشور ما که به شدت تحت تأثیر فرهنگ غرب هست گرچه سابقه تاریخی خود ما و فرهنگ اسلام هم بی‌تردید در فضای تعلیم و تربیت کشور ما وجود دارد منتهی تعلیم و تربیت رسمی در کشور به شدت تحت تأثیر فرهنگ غرب است. در سایر حوزه‌ها هم همین‌طور است گرچه مثلاً در حوزه اقتصاد ملی ما حتماً فرهنگ اسلام حضور دارد و فرهنگ سنتی ایران هم به نسبت حضور دارد ولی اقتصاد رسمی ما به شدت تحت تأثیر دانش‌ها و الگوهای غربی است. در حوزه نهادهای سیاسی هم همین‌گونه است. در تعلیم و تربیت هم مستثنی از این قاعده نیستیم که به شدت تعلیم و تربیت رسمی ما تحت تأثیر فرهنگ غرب است. البته عوامل تعلیم و تربیت اسلامی هم حتماً حضور دارد و نقش‌های جدی ایفا می‌کند به ویژه بعد از انقلاب اسلامی. مطالعه حقیقتاً عالمانه، کارشناسانه در این زمینه تفسیر و تعیین عوامل و سهم تأثیر هر یک و یک جمع‌بندی کلی از وضع موجود اولین کاری است که باید اتفاق بیفتد و امیدواریم که این مؤسسه و مؤسسات علمی دیگری که مشغول پژوهش هستند کار را به خوبی انجام دهند.

#### \* گرایش‌هایی که ناظر به مطالعات راهبردی در حوزه علوم تربیتی باشند در دانشگاه‌های کشور ما وجود ندارند

- اما مسئله دوم که در وضعیت موجود قابل تأمل است یک نگاه به وضعیت علوم تربیتی در کشور ما است. یک بخش علوم تربیتی در دانشگاه‌ها است. اگر بخواهیم علوم تربیتی را در دانشگاه‌ها به سه دسته تقسیم کنیم علوم فنی و تجربی یا به تعبیر دیگر گرایش‌های کاربردی در حوزه علوم تربیتی مثل روانشناسی تربیتی مثل تکنولوژی آموزشی یا مدیریت آموزشی و امثال اینها که گرایش‌هایی هستند که در علوم دانشگاهی ما تا مقطع دکتری هم وجود دارد. این یک بخش از گرایش‌های نسبت به علوم تربیتی است که در کشور ما است که در این بخش به شدت وضعیت ما وضعیت ترجمه‌ای است. کاملاً علمی که در این زمینه تدریس می‌شوند، متونی که تدریس می‌شوند متون ترجمه‌ای هستند و بدون تحلیل و بررسی مبانی و نتایج این علوم تجربی هم مورد تعلیم قرار می‌گیرند. اما نسبت به گرایش‌های راهبردی مثل سیاست‌گذاری فرهنگی یا حتی فرض کنید مدیریت آموزش عالی در این حوزه‌ها ما ظاهراً گرایش در سطح دکتری نداریم. گرایش‌هایی که ناظر به مطالعات راهبردی در حوزه علوم تربیتی باشند در کشور ما وجود ندارند. بخش سوم بخش مطالعات مبنایی و گرایش‌های مبنایی در حوزه علوم تربیتی است مثل فلسفه تعلیم و تربیت این در کشور ما هست و در مقطع دکتری هم داریم. این سه حوزه گرایش ولی معمولاً آنچه در این حوزه‌ها

موضوع تعلیم و تربیت هستند و بر اساس آنها خبرگی و کارشناسی ایجاد می‌شود و برخی کارشناسان هستند که با تخصص‌هایی که به دست آورده‌اند برای حوزه تعلیم و تربیت تصمیم‌سازی می‌کنند معمولاً تحت تأثیر فرهنگ غرب هستند. مسئله جدی وجود ندارد که در این حوزه‌ها تدریس شود مثل وضعیت علوم رسمی تعلیم و تربیت در کشور ما است تقریباً. علوم راهبردی تقریباً خلا جدی دارند حتی ترجمه‌ای آن و گرایش‌های مبنایی و کاربردی هم بیشتر تحت تأثیر فرهنگ غرب هستند به ویژه گرایش‌های تجربی و فنی که تقریباً صددرصد ترجمه‌ای هستند. چیز جدی در این زمینه نداریم.

#### \* معرفی سه رویکرد در دانش‌های مربوط به حوزه تعلیم و تربیت: رویکرد فلسفی، رویکرد فقهی، رویکرد تدوینی

این طرف می‌ماند یک دغدغه‌مندی‌هایی که نسبت به علوم تربیتی اسلامی وجود داشته به خصوص در سده بعد از انقلاب اسلامی و منتهی به نتایج خوبی هم شده. موسسات متعددی هم تأسیس شده که به حق نیروهای انسانی خوبی در این زمینه تربیت شده‌اند و مبنایی خوبی ایجاد شده که نیاز به هم‌افزایی و برنامه‌ریزی برای ادامه راه دارد. عمده مطالبی که در این زمینه تولید شده و رویکردهایی که در این زمینه وجود داشته شاید بشود گفت سه رویکرد است. یکی رویکرد فلسفی است که بیشتر به عنوان فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان یک فلسفه مضاف به موضوع تعلیم و تربیت بوده. گاهی هم می‌شود از آن به فلسفه علوم تربیتی تعبیر کرد. فلسفه مضاف به علم یا فلسفه مضاف به واقعیت‌های عینی تعلیم و تربیت. در این گرایش تلقی این بوده است که ما برای اینکه تعلیم و تربیت را به یک سامان مطلوب اسلامی برسانیم نیازمند به این هستیم که بنیان‌های فلسفی تعلیم و تربیت را مبتنی بر فلسفه مادر اسلامی و فلسفه اسلامی تولید کنیم و یا حداقل به جمع‌بندی فلسفه علوم تربیتی برسیم. رویکرد دوم که در حوزه علوم تربیتی یا دانش‌های مربوط به حوزه تعلیم و تربیت وجود دارد رویکرد فقهی است. این هم یک سابقه تاریخی داشته و به شکل خاص کنونی خودش به شکل خاصی که به درد شرایط کنونی ما بخورد فی‌الجمله در برخی از پژوهشگاه‌ها و موسسات تحقیق فقهی در این زمینه آغاز شده. رویکرد فقهی عمدتاً به این شیوه است که نمی‌خواهم بگویم این رویکرد، رویکرد مطلوبی است (رویکرد موجودی که در تحقیقات فقهی وجود دارد). رویکرد فقهی که در حوزه علوم تربیتی یا مبنایی علوم تربیتی از نظر اسلام داریم رویکردی است که بیشتر افعالی را که در حوزه تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتد اعم از افعالی که مربوط به مربی، مربی و حتی افعال مدیریتی و ساماندهی نسبت به فضای تربیتی است با رویکرد فقهی موضوع بحث قرار می‌دهند که حکم تکلیفی آن را به دست آورند. بر اساس اینکه معتقدند هر فعلی حکمی دارد دنبال این هستند که احکام افعال تعلیمی و تربیتی را به روش اجتهادی استنباط کنند. بخشی از آنها در متون فقهی و اخلاقی گذشته ما بوده بخشی از آنها هم در متون فقهی و اخلاقی ما نیست که ما باید موضوعاتش را به دست بیاوریم و بعد احکام فقهی آن را استنباط کنیم. یک رویکرد دیگری هم وجود دارد و در این زمینه متونی هم ما داریم که بیشتر رویکرد تدوینی و تبویبی است. یعنی رویکردشان این است که به روایات مراجعه کرده‌اند و این روایات را تدوین و تبویب کرده‌اند بدون اینکه بتوانند سطوح پژوهش‌هایی را که در حوزه معارف دینی باید اتفاق بیفتد و ارتباط بین این سطوح را با آن نظام‌واره‌ای که باید به دست بیاید مورد دقت قرار دهند. من احساسم این است شاید بتوان مجموعه تلاش‌هایی را که اتفاق افتاده در این زمینه جمع‌بندی کرد. پس یک رویکرد فقهی است. یک رویکرد به مبنایی است. رویکرد به مبنایی هم گاهی با روش فلسفی است گاهی با روش تبویب و تنظیم متون و معارف دینی است و رویکرد جدی و عمیق نیست.

#### \* مکتب تربیتی اسلام مجموعه آموزه‌هایی است که می‌توان از اسلام نسبت به حوزه تربیت استنباط کرد/ مکتب تربیتی اسلام برای تبدیل شدنش به یک نظام تربیتی عینی و جاری شدنش در عینیت باید از بستر علوم تربیتی هم عبور کند

حالا ما برای رسیدن به نظام تربیتی اسلام چه الزاماتی داریم؟ و با چه روش‌هایی می‌شود این کار را انجام داد؟ شاید بشود این را هم به عنوان یک نگاه عرضه کرد که ما یک نظام تعلیم و تربیت عینی داریم که در عینیت جامعه وجود دارد و یا بعداً وجود پیدا خواهد کرد. نظام تعلیم و تربیت عینی و خارجی که با برنامه‌ریزی محقق می‌شود که شاید بتوان گفت حاصل تصمیم‌گیری‌ها نسبت به حوزه‌های مختلف تعلیم و تربیت بر اساس قوانین جاری کشور است که منتهی به سطوح مختلف برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت می‌شود. این یک. مثلاً سندی تهیه می‌شود برای آموزش و پرورش این سند ناظر به واقعیت عینی تعلیم و تربیت است که خودش هم مبتنی بر یک سلسله اسناد بالادستی است. پس بالاخره ما یک نظام تعلیم و تربیت عینی داریم مثل نظام اقتصاد عینی در خارج بالاخره یک سلسله تصمیم‌هایی در حوزه اقتصاد گرفته می‌شود مبتنی بر قوانین جاری که جریان تولید، توزیع، مصرف اقتصادی را سامان می‌دهد. لایه دومی که ما نیاز داریم علوم است. این تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌گیری‌های بسیار پیچیده است که نیاز به دانش‌های پشتیبان دارد. ممکن است زمانی تصمیم‌گیری‌ها ساده اتفاق می‌افتاده فرض کنید در حوزه اقتصاد تصمیم‌گیری‌های حتی کلان هم به شکل ساده‌ای اتفاق می‌افتاده. ولی پیچیدگی‌هایی که پیدا کرده‌اند طبیعتاً نیازمند به یک دانش‌های پشتیبان هستند. لایه سوم مکتب تربیتی است. مکتب تربیتی، مجموعه آموزه‌هایی است که در حوزه دین نسبت به تعلیم و تربیت وجود دارد. اعم از آموزه‌هایی که آموزه‌های توصیفی هستند یا ارزشی هستند یا تکلیفی هستند. بنابراین غیر از نظام عینی تعلیم و تربیت که یک سلسله تصمیم‌گیری‌هایی می‌شود بر اساس یک سلسله قوانینی، دانش‌هایی داریم که آن دانش‌ها که از شناخت وضعیت موجود و پیش



بینی و کنترل و هدایت به کار گرفته می شوند. با معادله هستند. کنترل و وهادیت تغییرات وضعیت از موجود به مطلوب هم به وسیله این معادلات علمی اتفاقی می افتد این معادلات علمی در حوزه علوم تولید می شوند. که ضرورتاً آن علوم نقلی هم نیستند چه بسا علوم تجربی باشند یا علوم نظری باشند با روش های خاص خودشان. ولی بیش از هردوی اینها نیاز به مکتب تربیتی اسلام داریم. مکتب تربیتی اسلام مجموعه آموزه هایی است که می توان از اسلام نسبت به حوزه تربیت استنباط کرد اعم از آموزه های فقهی که به یک معنا تکلیف ها را معین می کنند و آموزه های حکمی که شاید توصیف هستند و آموزه های ارزشی که در حوزه اخلاق بحث می شوند. یعنی مجموعه تعالیم اسلامی نسبت به حوزه تربیت را مکتب تربیتی اسلامی می نامند. که این مکتب تربیتی اسلام برای تبدیل شدنش به یک نظام تربیتی عینی و جاری شدنش در عینیت باید از بستر علوم تربیتی هم عبور کند. یعنی مجموعه دانش هایی که در حوزه تعلیم و تربیت لازمند فقط دانش های نقلی نیستند بلکه دانش های کاربردی که امکان پیش بینی و کنترل و هدایت را برای ما فراهم می کنند و حتی دانش های معطوف به برنامه ریزی هستند.

**\* ما در حوزه علوم تربیتی نیاز به مکتب تربیتی، دانش ها و علوم تربیتی و نیاز به مدل های عینی تربیتی داریم**

– ما احکام توصیفی، ارزشی، تجویزی و یا به تعبیر دیگر تکلیفی داریم. یعنی همینطور که در حوزه مکتب، مکتب تربیتی اسلام فقط احکام



تکلیفی و به اصطلاح رایج فقهی نیستند وقتی مکتب تربیتی اسلام مشتمل بر احکام توصیفی و ارزشی هم هستند یعنی توصیف وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب که تبیین وضعیت مطلوب خیلی از عواملش عوامل ارزشی هم که از نسبت بین آن وضعیت و وضعیت موجود، وضعیت موجود را آسیب شناسی می کنیم و آرام آرام برای تحول برنامه می دهیم. همینگونه که در حوزه مکتب، احکامی را که ما دنبال می کنیم اعم از احکام تکلیفی، توصیفی و ارزشی هستند در حوزه علوم هم همینگونه است. حوزه علوم هم برای خودشان احکام تکلیفی، توصیفی و ارزشی دارند. بنابراین اگر بتوانیم این تقسیم بندی را یک تقسیم بندی قابل مطالعه قرار دهیم ما در حوزه علوم تربیتی نیاز به مکتب تربیتی، دانش ها و علوم تربیتی و نیاز به مدل های عینی

تربیتی داریم. مدل سازی و برنامه ریزی عینی تربیتی. و همه اینها هم می توانند معطوف به موضوعات، معطوف به ساختار کلان و معطوف به تکامل نظامات باشند در سه حوزه و به تعبیر دیگر در سه سطح مطالعه اتفاق بیفتد که از هر سه حوزه هم حتما احکام تجویزی و توصیفی و ارزشی به صورت مشاء حضور دارند. یعنی نمی شود گفت علم هیچ دخالتی در حوزه تجویز و در حوزه ارزش نمی کند.

**\* علم دینی یعنی علمی که در آن مکتب مستند به اسلام فرآوری شده، تبدیل شده به دانش کاربردی که می تواند به ما معادله دهد، پیشگویی کند و هدایت تغییرات را به عهده بگیرد/ علم دینی، علمی است که مکتب و دستاوردهای استنباطی از دین در روش تحقیقش جانمایی شده**

حالا اگر این طبقه بندی را بپذیریم یک مسئله نست بین مکتب، علوم و برنامه ریزی عینی است که به گمان ما می آید که باید مکتب تربیتی در حوزه علوم و برنامه ریزی، فرآوری بشود. اینطور نیست که مکتب یک ادبیات انضمامی نسبت به علم باشد. که ما بگوییم علم، مستند به روش های خاص خودش است و هیچ ارتباطی به مکتب ندارد منتهی باید مکتب تربیتی، انضمام به علم پیدا کند. انضمامی نیست بلکه باید مکتب تربیتی فرآوری در دانش های تربیتی بشود و به تعبیر دیگر به دانش تبدیل بشود. کمالینکه مواد اولیه را به مواد مصرفی تبدیل می کنیم چندین بار فرآوری می شود تا به مواد مصرفی تبدیل شود. آنچه از مکتب از دین استنباط می کنیم چه در حوزه مکاتب سیاسی و اقتصادی و امثال اینها چه در حوزه مکتب تربیتی باید فرآوری در حوزه دانش بشود و به گمان ما علم دینی یعنی همین علمی که در آن مکتب مستند به اسلام فرآوری شده، تبدیل شده به دانش کاربردی دانشی که می تواند به ما معادله دهد، پیشگویی کند و هدایت تغییرات را به عهده بگیرد و کنترل تغییر بکند. این دانش باید مستند به مکتب تولید شود. این معنای علم دینی است. بنابراین غیر از استنباط مکتب تربیتی، این مکتب تربیتی باید فرآوری در حوزه علم شود و مجموع این دو فرآوری در برنامه ریزی شوند تا بتوان گفت این برنامه برنامه ای است که در عین اینکه عقل تجربی و تجربیدی جامعه در آنجا حضور دارد، وحی شامل بر همه مسیر حرکت است. یعنی مسیر حرکت، تحت مدیریت دین و وحی واقع می شود. این نگاه حقیر است به مسئله و مبنای توصیف علم دینی هم است. علم دینی، علمی است که مکتب و دستاوردهای استنباطی از دین در روش تحقیقش جانمایی شده. یعنی شما می توانید نسبت بین آنچه که در حوزه مکتب استنباط از علم می کنید به روش اجتهادی با مطالعات تجربی و نظری و ... اینها را معین کند و بگوید اینها چون در درون یک دستگاه مطالعاتی قرار میگیرند و هم افزا می شوند آنگاه علم تولید می شود. علم اقتصاد تولید می شود. جامعه شناسی به مفهوم خاصش تولید می شود. روانشناسی تولید می شود. علوم تربیتی تولید می شود ولی



علوم تربیتی که مجموع دستاوردهای تجربی و تجربیدی بشر تحت هدایت مکتب قرار گرفته و آنچه در حوزه این موضوع استنباط از دین می شود در پیوند با مطالعات تجربی و تجربیدی درون یک نظام مفاهیم قرار می گیرد. به تعبیر دیگر در هم دیگر ترکیب و ذوب می شوند و یک برآیندی دارند که برآیندش علم دینی می شود.

### \* فلسفه اسلامی به لحاظ روش، سکولار است

من معتقدم که فلسفه اسلامی به لحاظ روش، سکولار است. یعنی به لحاظ روش، تعهدی به دین ندارد. تعهدی به تبعیت از وحی ندارد. یعنی هیچ فیلسوفی در منطق استدلال خودش استناد به وحی را شرط نمی کند. تعهد به وحی را شرط نمی کند. آنچنانی که شما در فقه می بینید که فقه کاملاً یک علم استنادی است، در فلسفه شما نمی بینید که فلسفه یک علم استنادی باشد. که بگویند ما می خواهیم مستند کنیم نظام معارف فلسفی را به دین بلکه نظام معرف فلسفی بر اساس روش عقلانی تولید می کنند البته در موضوع در مواد در نتایج به شدت تحت تأثیر فرهنگ اسلام هستند. و میزان تأثیری که از فرهنگ اسلام و اهل البیت داشتند در اینکه فلسفه شان سبقه فرهنگ دین و فرهنگ اهل البیت را بگیرد متفاوت است ولی به شدت تحت تأثیرند. اما به لحاظ روشی فیلسوف به برهان عقلی کار می کند. حتی برهان عقلی به یک معنا، ابتدائاً متعهد به هیچ یک از نتایج دینی نیست فقط متعهد به برهان است فلسفه هیچ تعهدی نسبت به آموزه های دینی ابتدائاً ندارد بلحاظ روش فقط متعهد به برهان است البته بعد ادعا می کند برهان و قرآن و عرفان یکی است این یک ادعاست ولی ابتدائاً به لحاظ روش فلسفه هیچ تعهدی به دین و حتی به قرآن ندارد اما به لحاظ واقعیت ایمان فیلسوف، فرهنگ فیلسوف، حتی فرهنگ اجتماعی فیلسوف محتوای فلسفی اثر می گذارد. آن یک بحثی است که ما در حوزه معرفت شناسی مدعی اش هستیم می گوییم ایمان به یک معنا متقدم است بر تفکر و شاهدش هم این است که شما می بینید فیلسوف با اینکه به لحاظ منطقی متعهد به دین نیست ولی به موضوعاتی که می پردازد و نتایجی که می گیرد تحت تأثیر ایمانش است. فیلسوف مسیحی با آموزه های مسیحیت می اندیشد، فیلسوف مسلمان با آموزه های اسلامی می اندیشد این تأثیر فرهنگ و ایمان بر فلسفه است ولی به لحاظ منطق، فلسفه سکولار است. این یک نکته. بنابراین ما تلقی مان این است که اگر واقعاً ما مبانی تربیتی اسلام را متعهد به فلسفه کنیم، فلسفه ای که منطقی خود را متعهد به دین نمی داند ولو اینکه نتایجش متأثر از فرهنگ اسلام است باز تأکید می کنم طبیعتاً ما نمی توانیم معتقد باشیم و بگوییم حتماً خروجی که دارد خروجی دینی است. پس این یک نکته که در این نگاه ما در مکتب تربیتی متعهد به دین هستیم نه متعهد به فلسفه. و البته روش تعقلی را هم قبول داریم.

### \* اگر مکتب تربیتی مکتوب به نظام عینی نباشد هیچ گاه مبتنی به یک برنامه ریزی عینی نخواهد شد

– نکته دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که ما مکتب تربیتی را مکتب استنباطی می دانیم. که البته در آن عقل انسان و تعقل حضور دارد، تعبد به وحی هم حضور دارد. معطوف به کارآمدی در وضعیت موجود و توجه به نظام عینی تربیتی هم در آن هست. اگر مکتب تربیتی مکتوب به نظام عینی نباشد هیچ گاه مبتنی به یک برنامه ریزی عینی نخواهد شد.

\* ما در دستیابی به علوم تربیتی اسلام در قدم اول نیازمند به استنباط مکتب تربیتی اسلام از متون دینی هستیم، قدم بعد این است که این مکتب تربیتی چگونه تبدیل به علوم تربیتی می شود؟



– مکتب تربیتی شامل احکام توصیفی، ارزشی، تکلیفی است. یک، شامل احکام موضوعات، نظامات، تکامل نظامات است دو. و واحد مطالعه اش اعم از واحد فرد و جامعه و تاریخ است. یعنی شما ممکن است در حوزه مبانی تربیتی را در حوزه فرد مطالعه کنید ممکن است در حوزه جامعه و در حوزه تاریخ. به لحاظ روش هم روشش روش استنادی به وحی است گرچه در این روش استنادی، تعقل و کارآمدی هم حضور دارد و رویکرد فلسفی و می توانیم ادعا

کنیم که این یک رویکرد کارآمدی است بر خلاف رویکرد فلسفی که ما دلیلی برای اینکه بتواند کارآمدی نسبت به مدیریت تعلیم و تربیت در عرصه های مختلف و دوره های مختلف داشته باشد نداریم. و دغدغه دوم این است که استناد به دین هم در آنجا استناد تمامی نیست. گرچه حتماً اگر ما به دنبال استنباط مبانی تربیت از فلسفه اسلامی باشیم و فلسفه مضاف به تربیت را بتوانیم به به دست بیاوریم حتماً نسبت به تربیت در علوم تربیتی غرب یک قدم رو به پیش هستیم. در این هیچ تردیدی نداریم. یک قدم رو به پیش هستیم ولی این کفایت نمی کند نه در مقام استناد نه در مقام کارآمدی. نه استنادش به دین استناد قطعی است و نه تضمین کارآمدی دارد که بتواند ما را از بستر شرایط کنونی گذر دهد.

– ما در دستیابی به علوم تربیتی اسلام در قدم اول نیازمند به استنباط مکتب تربیتی اسلام از متون دینی هستیم که روش این استنباط روش اجتهادی است منتهی روش اجتهادی که در آن تعقل و کارآمدی هم مورد توجه است. این یک، دو روش اجتهادی است که معطوف به حوزه حکمت، عرفان و فقه است و روش اجتهادی است که معطوف به نظامات خرد و تکامل نظامات است یعنی اعم از استنباط احکام موضوعات و

نظامات و تکامل اجتماعی است. مکتب تربیتی اسلام قاعدتاً یک مکتب استنباطی است که می‌تواند نسبت به تکامل تربیتی (نظام تربیت) که اصلاً مقیاس تعلیم و تربیت در آنجا عوض می‌شود. مقیاس تربیت عوض می‌شود و همچنین همانگونه که در عرفان مقامات عرفانی داریم که وقتی عارف وارد یک مقام جدید می‌شود در آن مقام موضوعات پیش رو عوض می‌شود. مقیاس اطلاعاتش، مقیاس مسایل پیش روی کسی که در وادی عرفان سلوک می‌کند در حال تغییر است. فقه تربیتی، مکتب تربیتی که ناظر به تکامل تربیتی است ناظر به این است که مقیاس تعلیم و تربیت را عوض کند و موضوعات تعلیم و تربیت در آنجا متحول می‌شود. فقه نظاماتش همان فقه ناظر به کلان اجتماعی است و فقه خردش هم ناظر به پاسخگویی به موضوعات مبتلا به است.

– حالا قدم بعد این است که این مکتب تربیتی چگونه تبدیل به علوم تربیتی می‌شود؟ از دل مکتب تربیتی علم تربیتی چگونه به دست می‌آید به طوری که ادبیات انضمامی نباشد؟

#### \* دستیابی به مکتب تربیتی اسلام و علوم تربیتی و مدل های برنامه ریزی تربیتی احتیاج به نرم افزار پیشینی دارد

نکته نهایی این که دستیابی به مکتب تربیتی اسلام و علوم تربیتی و مدل های برنامه ریزی تربیتی در مقیاس موضوعات، نظامات و تکامل نظامات احتیاج به یک ابزار پیشینی و یا به تعبیر دیگر نرم افزار پیشینی هم دارد. آن نرم افزار پیشینی معمولاً مورد توجه در دستگاه هایی که پژوهش می کنند نبوده. آن نرم افزاری که می تواند پژوهش در حوزه مکتب، علم و برنامه ریزی را هماهنگ کند و همسو کند و خود اینها را هم افزا کند آن نرم افزار چیست؟ ما از آن نرم افزار عبور می کنیم. خیلی به بحث آن نمی پردازیم آن چیزی است که در فرهنگستان دنبال می کردیم که تولیدش کنیم. آن نرم افزاری که بتواند این سه حوزه را هماهنگ و هم افزا کند یعنی واقعاً بازخورد مکتب را در علم و در برنامه ریزی و به عکس بازخورد برنامه ریزی را در علم و در مکتب ببیند و مطالعه کند حالا ما فعلاً با آن نرم افزار کار نداریم. اگر توفیق بود در مراحل بعد بحث مکتب تربیتی را در سه حوزه حکمت، عرفان و فقه دنبال می کنیم، بر اساس جمع بندی ظرفیت موجود و ادامه بحث تا جایی که به افزایش ظرفیت موجود ختم شود.

#### ۴- جمع بندی و ارائه سخنان پایانی توسط استاد زاهدی

– بررسی تخصصی نظامات غربی و شیوه های نفوذ آن در جهان اسلام و در برابر آن نظامات اسلامی را اگر وجود دارد و فراموش شده به یاد بیاوریم، اگر ضعیف شده و تضعیف شده تقویت کنیم، اگر ناقص مانده تکمیل کنیم، اگر قوی است عرضه اش کنیم، اگر موجود نیست از منابع استخراج کنیم و ارائه دهیم تا الگو شود. اگر ما نظام بانکی اسلامی داشته باشیم، مردم به سمت بانک های غربی نمی روند تا اولین و قوی ترین بازوی غرب برای تحریم شود. اگر ما نظام بانکی اسلامی داشتیم اینها نمی توانستند چنین کاری با ما بکنند. اگر نظام فرهنگی ما از منابع استخراج و عرضه شود، فرهنگ ما دست غربی ها نمی افتد. اگر آنچنان که باید علم از نگاه قرآن تعریف شود و علوم وحیانی را با روش هایی که از خود قرآن و عترت طاهره استنباط می کنیم، استخراج کنیم و علوم وحیانی را به علوم تمدن ساز و علوم تمدن ساز را به علوم ابزار ساز تبدیل کنیم، دیگر نیازی به گدایی به درگاه غرب نداریم. البته در غرب شناسی و نظام شناسی غربی از آن بهره می گیریم. اما بهره گرفتن تفاوت دارد با اینکه یکسره راه آنها را پیروی کردن و مثل نظام بانکی در بست نظام آنها را پیاده کردن. اکنون در دانشگاه ها نیروها را غربی بار می آورند.

– علم را تعریف کردیم، روش های استخراج را تعریف کردیم، چگونگی تبدیل علوم وحیانی به علوم تمدن ساز و علوم تمدن ساز به علوم ابزار ساز را شرح داده ایم.

#### \* سرمایه داری ما به تبعیت از غرب در حال تبدیل شدن به سرمایه سالاری است

– اگر نظام هنری ما سامان یافته بود، مردم به سمت آن جذب می شدند. مثل زمان پخش سریال های حضرت یوسف و مختارنامه که مردم آنها را تماشا می کردند. اگر نظام هنری داشتیم جامعه به سمت نظام غربی متمایل نمی شود. بدنه جامعه نیاز دارد. اگر نظام تجاری بر اساس عرضه و تقاضا که نظام غربی است، سامان گرفته است و بزرگترین تراست ها و کارتل های ایرانی که تمام انحصارات دستشان است به غرب وصل نشده بودند ما اینگونه ذلیل غرب در صنعت و تجارت و سرمایه داری نمی شدیم. سرمایه داری ما به تبعیت از غرب در حال تبدیل شدن به سرمایه سالاری است. در نظام آموزش و پرورش کتاب ها حاضر است. آنها را ترجمه می کنند و با کمی ظاهر سازی و بومی سازی به عنوان کتاب درسی ارائه می دهند. در روانشناسی و در جامعه شناسی، زمانی که ما نظام علمی مان را سامان نداده ایم روانشناسی ها و جامعه شناسی ها و انسان شناسی های غربی، مبانی علوم آموزش و پرورش و دانشگاه ها را تشکیل می دهند. ما باید این نظامات را طراحی کنیم.

#### \* دو پرچمی که در مؤسسه صابره (س) بلند شده است: یکی پرچم تعلیم و تربیت قرآنی و دیگری پرچم نظام شناسی

– یکی از نظاماتی که ما در مؤسسه صابره (س) به عهده گرفته ایم تا روی آن کار کنیم و بیش از ۲۰ سال روی آن کار کرده ایم نظام تعلیم و تربیت است. اساتیدی هم در این زمینه تربیت می کنیم. ضعف ما این است که کارهایی را که کرده ایم درست عرضه نکرده ایم. برگزاری همایش برای این است که کارهایی را که تولید کرده ایم، عرضه کنیم و به سمع و نظر فرهیختگان برسانیم. در مؤسسه صابره (س) الحمدالله اکنون

روی دو پرچم کار می‌شود. یکی پرچم تعلیم و تربیت قرآنی است که هم تمامی جوانب تعلیم و تربیت و نظامات تربیتی جهان غرب را بررسی می‌کنیم و هم نظامات تعلیم و تربیت قرآنی را در مقابل آن تدوین می‌کنیم. مبانی‌اش را تدوین کرده‌ایم. یکی دیگر، پرچم نظام‌شناسی است که بلند کرده‌ایم تا این یک فرهنگ و یک مطالبه اجتماعی شود و ریشه را بفهمند. نظامات غربی آمده است و دارد همه کار می‌کند. نظام بانکی ثروت‌های عمومی را غارت می‌کند و کسی هم متوجه نیست. روی فرهنگ‌های عمومی تأثیر می‌گذارد. تورم‌های عمومی را بالا می‌برد. فرهنگ‌های اصیل اسلامی و قرآنی را نابود می‌کند. در بانک نمی‌توان گفت «حب الدنيا راس کل الخطیئه». هیجان همه بانک به سمت حب الدنيا است. وام‌های عجیب و غریب می‌دهد. در بانک نه مرجع تقلید و نه ولایت فقیه می‌شناسد. نظام ورزشی فرهنگ ما را نابود می‌کند. کم‌کم دختران و زنان را به عنوان تماشاچی به استادیوم می‌برند. ما نظام بومی نداریم، وقتی فیفا و غرب با آن همه حساب کتاب آن نظام را آماده دارد، در نتیجه جامعه به سمت آن می‌رود. اگر نظام ورزشی اسلامی وجود داشته باشد، مردم لجبازی ندارند که سراغ آن نروند. نظام ورزشی اسلامی نداریم، نظام هنری نداریم، نظام بانکداری نداریم، نظام فرهنگی نداریم.

- این پرچم را همه باید بلند کنند. کار سنگینی است. قرآن فرموده «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا» (سبأ: ۴۶). آیت الله حائری شیرازی در یکی از همایشهای موسسه صابره (س) فرمودند که این کار، کار بزرگی است. غریبی حضرت زهرا (س) و امام حسین (ع) ما را درس داده است. ما از این آیه درس گرفته‌ایم و ترسی نداریم. از فرهیختگان دعوت می‌کنیم که در این دو برنامه شرکت نمایند. انجمن نظام‌شناسی قرآنی را تشکیل دادیم. از سراسر جهان عضو می‌گیریم و فرهیختگان جهان اسلام را دعوت می‌کنیم. حضرت آیت الله میرباقری فرمودند من آماده‌ام که تربیون آزاد بگذارید و شخصیت‌های بزرگ تعلیم و تربیت را دعوت کنید آنها حرف خودشان را بزنند و شما هم حرف خودتان را بزنید تا انشاءالله قابل عرضه باشد. هرکس در هر کجای کشور حرفی دارد، مقاله‌اش را بدهد. اگر شورای کارشناسی تشخیص داد که مطلب در این سطح است که در همایش مطرح کنیم و بزرگان را دعوت کنیم که به بحث بنشینند، ما این کار را می‌کنیم.

- ما ادعا می‌کنیم از قرآن و اسلام ناب و سیره طیبیه حضرات اهل البیت محمد مصطفی (ص) با روش اجتهادی و کسب حجیت در هر مطلبی کار کردیم و فکر می‌کنیم آنچه را که تهیه کرده‌ایم اسلامی است. بنابراین این دو وجه یکی کلاس نظام‌شناسی و یکی کلاس تعلیم و تربیت دایر است. آنهایی هم که سطحی دارند و اهل تحقیق هستند مقاله بدهند ما مستندات را در اختیارشان قرار می‌دهیم. بهترین افتخار برای ما این است که کسی بهترین اشکال را بگیرد. ما پس از ۲۵ سال تحقیق و مطالعه تشخیص دادیم که نظام‌شناسی راهبرد اصلی است و مقام معظم رهبری بارها فرموده‌اند و اکنون هم با یکی دو نظام در جنگ فرهنگی از انقلاب دفاع می‌کند.

- موضوع این است که نظامات غربی بر ما مسلط می‌شود. بر دانشگاه‌های ما، بر هنر ما، بر علوم ما، بر اقتصاد ما، مسلط شده است. ما در دامان نظامات غربی هستیم و می‌گوییم مرگ بر آمریکا، اما درست نمی‌شود. اکنون این فکر غریزدگی در جامعه در حال رشد است و جلو می‌رود و مقصر یک فرد نیست. ریشه بی‌حجابی‌ها از کجاست؟ موضوع نظام است و آنها می‌خواهند این نظامات را در تمام سطوح و در تمام عرصه‌های حیات انسانی بر ما مسلط کنند. پس بیدار شوید این نظامات را بشناسیم و چگونگی نفوذ و تسلط آنها را بشناسیم و نظامات اسلامی را هم بشناسیم و مدل دهیم و عرضه کنیم. خودمان هم نظام تعلیم و تربیت را بر عهده گرفتیم اما اگر تیم‌های طالب بیایند در زمینه سایر نظام‌ها (هنری، ورزش، رسانه، اقتصاد و...) حمایتشان می‌کنیم و گروه علمی‌اش را راه می‌اندازیم. بمنه و کرمه...

این همایش با برگزاری نماز جماعت ظهر و عصر به کار خود پایان داد. در حاشیه این همایش، محصولات مکتوب و صوتی موسسه صابره (س) از جمله کتاب «ماهیت نظام هنری و مأموریت‌های آن از منظر اسلام» که توسط استاد زاهدی تألیف شده است، به حاضران معرفی گردید. در سالن‌های ورودی همایش نیز بنرهایی حاوی پیامهای مربوط به مفهوم نظام‌شناسی برای اطلاع شرکت کنندگان، نصب شده بود.



برای مشاهده گزارش تصویری همایش، به سایت Sabereh.ir مراجعه نمایید.

**صابره: گزارش جلسه ۳۰ نظام شناسی / استاد زاهدی: با نظام سازی، جمهوری اسلامی و جهان اسلام در برابر نظامات دشمن بیمه می شود / نظام بانکداری غربی، محور ایجاد تورم و گرانی و بازوی اصلی جهان کفر و سکولار برای به بردگی کشاندن کشورهاست / کاربرد نظام رسانه ای غرب، جاسوسی، خبر دزدی، مدیریت شایعات و جوسازی و... است**

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی صابره، جلسه ۳۰ دوره آموزشی "نظام شناسی" با حضور اساتید و دانش پژوهان و عموم خواهران و برادران با سخنرانی استاد زاهدی در روز پنجشنبه ۵ تیر ۹۳ از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲:۳۰ در محل مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) برگزار شد. جلسه با تلاوت آیات نورانی قرآن کریم آغاز گردید. در این جلسه استاد زاهدی مدیر مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره (س) به موضوع «تبیین مفهوم نظام شناسی و نظام سازی»، «ادامه مبحث نظام رسانه» و «تفسیر سوره ناس» پرداختند. در ادامه رئوس مطالب تدریس شده به صورت خلاصه عنوان می شود:

**\* با نظام سازی جمهوری اسلامی و جهان اسلام در برابر نظامات دشمن بیمه می شود**

- نظام شناسی به معنی شناخت نظامات غربی و اسلامی است. نظام سازی یعنی اینکه بر اساس اندیشه های ناب قرآن و حضرات اهل البیت (ع) نظامات خاص اسلام را اگر نیست بسازیم، اگر هست معرفی کنیم، اگر ضعیف است تقویت کنیم و اگر فراموش شده به یاد بیاوریم تا بتوانیم جمهوری اسلامی و جهان اسلام را در برابر نظامات دشمن بیمه کنیم.

- نظامات کفر و سکولار در جهان اسلام نفوذ کرده و مسلط شده و به نمایندگی از جهان کفر و سکولار بر کشورهای تحت سلطه حکومت می کند و منابع این کشورها را به صورت قانونی و توسط مردم همان کشور مصرف می کند و دانش، فکر و اندیشه آنها را تحت تأثیر خود قرار داده از بین آنها نیرو می گیرد و از بین مسلمین افراد را غرب زده می کند و علیه اسلام ساماندهی می کند.

- نظام فرهنگی، نظام هنری، نظام بانکی، نظام ورزشی، نظام سرمایه داری، نظام اجتماعی، نظام خانواده، نظام حزبی، نظام علمی و... را در جلسات گذشته شرح دادیم. آسیب هایی را که آن نظام ها وارد کرده و واضح و روشن است و به چشم می خورد را معرفی کردیم تا جامعه متوجه شود که این نظامات چه ضررهایی برای ما دارد. توضیح دادیم که مردم اصرار ندارند که از نظامات غربی استفاده کنند، اما چون متأسفانه در نظام سازی اسلامی کوتاهی شده، مردم به سراغ نظامات حاضر آماده غربی می روند.

**\* نظام بانکداری غربی، محور ایجاد تورم و گرانی، عامل تغییر فرهنگ مردم به سوی سرمایه سالاری و دنیاپرستی، و بازوی اصلی جهان کفر و سکولار برای به بردگی کشاندن کشورهاست**

- ما نظام قرض الحسنه داشتیم، ولی به سراغ آن نرفتیم تا بانکداری غربی با فرهنگ ربوی و بی عاطفه بر ما حاکم شود.

- مشخصات نظام بانکداری غربی:

۱- محور ایجاد تورم و گرانی است.

۲- بازوی اصلی جهان کفر و سکولار برای به بردگی کشاندن کشورهاست.

۳- عامل تغییر فرهنگ جامعه و هجوم مردم به سوی سرمایه سالاری و دنیاپرستی است.

۴- عامل ترویج کاخ نشینی و اشرافی گری است.

۵- باعث بزرگترین اختلاس ها و غارت اموال جامعه است.

۶- بزرگترین رشوه خواری ها و باندبازی ها توسط بانک است.

۷- در ظاهر، در بانک گردش پول صورت می گیرد، اما یک نوع هیجان کاذب و رونق دروغین در کسب و کار توسط بانک صورت می گیرد. تصور ما از بانک، پول گذاشتن در بانک و برداشت پول و... است، در حالیکه نظام بانکی بسیار پیچیده است. مثلاً با نظام اوراق بهادار توسط بانکها، ۵۰٪ اموال مالزی به صورت قانونی توسط بانکهای اروپایی و آمریکایی بلعیده شد.

این ها مشخصات نظام بانکداری غربی است که برای ما سراسر خطر است، ولی چون نظام بانکداری اسلامی طراحی نشده، مجبوریم از همین نظام بانکداری استفاده کنیم. نظامات دیگرشان هم همینطور است.

**\* کاربرد نظام رسانه ای غرب، جاسوسی، خبر دزدی، مدیریت شایعات و جوسازی و... است**

- یک زمانی از رسانه، مفهوم رساندن خبر و خبرگزاری استنباط می شد. در حالیکه هم اکنون نظام رسانه خیلی پیچیده شده و دیگر معنی خبررسانی نمی دهد.

کاربرد نظام رسانه در جهان غرب:

۱- جاسوسی



۲- خبر دزدی

۳- جمع‌آوری اطلاعات

۴- مدیریت تولید خبر

۵- مدیریت توزیع خبر

۶- مدیریت دریافت اخبار

۷- مدیریت شایعات و جوسازی

۸- مدیریت نظرسنجی

۹- شکستن هر نوع تصمیم مستقل در کشورهای تحت سلطه

۱۰- شکستن هر نوع مشورت و مشاوره در کشورهای تحت کنترل

۱۱- فرهنگ‌سازی

۱۲- دیپلماسی‌های رسانه‌ای

- وقتی ما نظام رسانه‌ای بومی و اسلامی نداشته باشیم، دشمن نظام رسانه‌ای حاضر و آماده (اینترنت، گوگل، یاهو، ماهواره و...) را در اختیار ما می‌گذارد. لذا زیر سلطه غرب می‌رویم و آسیب‌های این نظام را باید متحمل شویم...

**\* تفسیر سوره ناس / «قُلْ» به معنای یک نظریه و دکترین می‌باشد**

- «قُلْ» یک محتوا و نرم افزار طراحی شده است که باید فایل آن را باز کرد و در آن تدبیر کرد.

- «قُلْ» در آیاتی که مخاطب آن حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، به معنای یک نظریه و دکترین می‌باشد. لذا در قرآن، نظریات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، جهانی، فرهنگی و... با توجه به آیاتی که پیامبر (ص) با «قُلْ» مورد خطاب قرار گرفته، وجود دارد. ای رسول ما! این دکترین را دنبال کن. این نظریه را دنبال کن.

- ناس در اینجا به معنای جامعه‌شناسی بوده و احکام فردی نیست. «يَرْبُّ النَّاسَ»: رب به معنای ربوبیت است. ربوبیت شامل مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ای، خانوادگی، هنری و علمی است. «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»: بگو پناه می‌برم به این مدیریت‌های جامعه‌شناسی اسلامی، قرآنی و مهدوی. پناه بردن به معنای این است که مدیریت‌ها را کشف کنیم و به کار ببریم.

- خدای آسمان و زمین به رسول آسمان و زمین، این دکترین را داده که زمانی خواهد رسید که «الْوَسْوَاسَ الْخَنَّاسَ» کار می‌کند و آنقدر قوی است که می‌تواند در دل‌هایتان نفوذ کند. در این زمان هیچ راهی ندارید که به ربوبیت و مدیریت حضرت حق پناه ببرید. مدیریت و ربوبیت قرآنی و وحیانی را بر جامعه خودتان حاکم کنید. تا زمانی که این مدیریت در جامعه حاکم نشود، نمی‌توانید از نفوذ دشمن بر دل‌هایتان نجات پیدا کنید.

- «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»: ربوبیت جامعه‌شناسی حضرت حق را بر تمام عرصه‌های مختلفی که حضرت حق نظام وحیانی را معرفی کرده باید مسلط کنیم.

- حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند که سوره توحید برای مؤمنین آخرالزمان است. لذا «قل هو الله احد» یک نرم افزار پیچیده آینده است. برای حال نیست. اگر عقل کسی به آن برسد، یعنی به عصر ظهور رسیده است. این خاص دوران ظهور حضرت است که باید مقدمات آن را حاضر کنیم...

لازم به یادآوری است که ان‌شاءالله هر هفته پنجشنبه‌ها از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ کلاسهای دوره آموزشی نظام‌شناسی برگزار می‌شود. سی‌دی‌های صوتی این جلسات برای بهره‌برداری دانش پژوهان، تهیه شده و در اختیار آنان و سایر علاقمندان قرار می‌گیرد. حضور در کلاسهای دوره آموزشی نظام‌شناسی، پس از ثبت نام حضوری، برای عموم خواهران و برادران بلامانع است.

### مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت صابره سلام الله علیها

تلفن	۰۲۱-۶۶۷۲۷۱۵۶-۶۶۷۲۷۱۵۹
شماره پیامک	۱۰۰۰۶۶۷۲۷۱۵۶
آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی صابره	www.Sabereh.ir
آدرس سایت انجمن نظام‌شناسی قرآنی	www.Nezam.sabereh.ir
آدرس پست الکترونیکی (ایمیل)	Sabereh@sabereh.ir
آدرس پستی	تهران، خ جمهوری اسلامی، خ حافظ، خ هاتف، نبش خیابان شهید محمدبیک، پلاک ۶۴